

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پیامدهای آن

سعید غیاثی ندوشن^{۱*}

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پیامدهای این پدیده آموزشی انجام شده است. در این پژوهش، از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دارای اضافه سنوات تحصیلی، اساتید راهنمای ایشان، مدیران گروه‌ها و معاونین آموزشی دانشکده‌ها بود که از میان آن‌ها تعداد ۳۳ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش از سه ابزار مصاحبه، بررسی اسناد و بررسی متن درخواست‌های دانشجویان استفاده شده است. به‌منظور تحلیل داده‌ها پس از آشنا شدن با داده‌ها، کدهای اولیه ایجاد و با جست و جو و شناخت مضامین، شبکه مضامین ترسیم و تحلیل و سپس گزارش آن تدوین شد و در قالب یک طبقه‌بندی فراگیر ارائه شدند. بررسی روایی و قابلیت اعتماد داده‌ها از طریق روش کنترل توسط اعضا انجام شد. یافته‌های بخش مصاحبه‌ها بیانگر ۲ دسته عوامل برون سیستمی و درون سیستمی بودند که جمعاً ۲۸ علت را در بر گرفته است. عوامل برون سیستمی در سه دسته عوامل اقتصادی- اجتماعی، فردی- خانوادگی و دغدغه‌های فردانشگاهی و عوامل درون سیستمی در چهار دسته رفتار غیرحرفه‌ای استادان، مشکلات تحریر پایان‌نامه، مسأله‌مند نبودن دوره‌های آموزشی و ضعف علمی دانشجویان و ضعف فرایندها و سیستم آموزشی تقسیم شدند. همچنین در بررسی اسناد ۱۸ علت به‌عنوان عامل تطویل سنوات مشخص شدند که مهم‌ترین آن مشکلات اجرایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، بیماری خود و نزدیکان و طولانی بودن فرایند تصویب و تأیید بوده است. ۱۹ راهکار برای بهبود این پدیده شناسایی شد که در سه دسته ارتقا کیفی واحدهای درسی و همسویی با پایان‌نامه/ رساله، بهبود فرآیند آموزشی و علمی و تسهیل روند انجام رساله/پایان‌نامه نیز ارائه شده است. آنچه نتیجه می‌شود اینکه افزایش سنوات دانشجویان معلول عوامل متعددی است که برخی در اختیار دانشگاه است و برخی عوامل به خارج از سیستم دانشگاه و متأثر از مسائل اقتصادی و اجتماعی است. با نگاهی سیستمی می‌توان با رفع این چالش‌ها نسبت به کاهش سنوات تحصیلی و بهبود کیفیت اقدام نمود.

واژه‌های کلیدی: پیامد، سنوات تحصیلی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دانشگاه.

^۱ دانشیار، دانشکده روانشناسی گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ghiasi.saeed@gmail.com

مقدمه

آموزش عالی در هر کشوری یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت آن کشور در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. با توجه به گسترش روزافزون پیشرفت‌های علمی، و گرایش سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و خصوصی به جذب افراد متخصص، افراد هر جامعه به سمت دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی روی آورده‌اند (اولانی^۱، ۲۰۰۹). یکی از مهم‌ترین مسائلی که آموزش عالی مطرح است، موفقیت تحصیلی^۲ است. آستین^۳ (۱۹۹۹) موفقیت تحصیلی را پیشرفت هوشمندانه در آموزش کلاسی تعریف نموده است که از طریق نمرات و رتبه‌های کلاسی نشان داده می‌شود. موفقیت تحصیلی دربرگیرنده سه جزء پیشرفت، رضایت و تداوم انگیزش است (آرتینو^۴، ۲۰۰۹). موفقیت تحصیلی دانشجویان بر جنبه‌های مهمی از زندگی آنان تأثیر می‌گذارد، از جمله ارتقا به مقاطع تحصیلی بالاتر، کسب شغل و جایگاه اجتماعی مناسب و رضایت خاطر (آبشا^۵، ۲۰۱۲). عدم موفقیت تحصیلی دارای پیامدهای نامطلوب بسیاری بر دانشجویان است. یافته‌های یک مطالعه نشان داد که عدم موفقیت تحصیلی و طولانی شدن تحصیل دانشجویان منجر به عدم موفقیت آن‌ها در سایر مراحل زندگی تحصیلی می‌شود (مادیگان و کوران، ۲۰۲۱). سنجش موفقیت تحصیلی از طریق ارزشیابی مداوم و مستمر وضعیت تحصیلی دانشجویان در طول تحصیل به‌عنوان یکی از ارکان ضروری و اجتناب‌ناپذیر بهبود کیفیت نظام آموزشی به‌ویژه در دانشگاه‌ها بوده که می‌تواند با مقایسه میانگین نمرات اکتسابی دانشجویان در دوره‌های مختلف انجام پذیرد. این امر در تدوین برنامه آموزشی بهتر، ارتقای کیفیت آموزشی و نهایتاً در اصلاح و بهبود کارایی مسئولان مربوطه تأثیر بسزایی دارد (لیندمن، دوک و ویکرسون^۶، ۲۰۰۱). معدل کل دانشجویان شاخص مناسبی جهت ارزیابی و پیش‌بینی وضعیت تحصیلی دانشجویان است. همچنین برخی از ویژگی‌ها همانند وضعیت بومی یا غیربومی بودن، نحوه پذیرش (مانند انتقالی از سایر دانشگاه‌ها و یا استفاده از سهمیه خاص)، نوع قبولی (روزانه و شبانه)، وضعیت تأهل و مقطع تحصیلی، تأثیر معناداری بر وضعیت تحصیلی دانشجویان و قرار گرفتن آنان در دسته‌های مختلف وضعیت تحصیلی مانند عادی و یا پرخطر خواهد داشت (حسنی و بذرفروشان، ۱۳۹۷). توجه به این موضوع چیزی است که در تمام دنیا در رأس برنامه‌های توسعه آموزشی مدنظر قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که در انگلستان در تعدادی از دانشکده‌های پزشکی و دندانپزشکی نمرات دانشجویان در ترم اول و آخر برای ارزیابی میزان پیشرفت یا افت آنان در طول تحصیل به‌طور معمول مقایسه می‌شود (صداقت و ملکی، ۱۳۹۱).

دانشگاه‌ها متعهد به ارائه آموزش باکیفیت هستند. باین‌حال، میزان بالایی از شکست تحصیلی، اغلب در سال اول ورود به دانشگاه اتفاق می‌افتد. عواملی همچون انگیزه و جنبه‌های مختلف عاطفی، می‌تواند بر تعهد دانشجویان در دستیابی به موفقیت و بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان داد، متغیرهایی که در پیش‌بینی موفقیت یا شکست تحصیلی دانشجویان قابل‌توجه هستند به دودسته تقسیم می‌شوند: متغیر توجه عاطفی و اهداف عملکردی و متغیر خودکارآمدی انگیزشی. همچنین بالاترین میزان پیش‌بینی موفقیت تحصیلی از طریق اندازه‌گیری عملکرد تحصیلی قبلی دانشجویان حاصل می‌شود، که از طریق آزمون سنجش میزان دانش فرد در ابتدای ورود به دانشگاه به دست می‌آید (گیلار کربی و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به توسعه کمی در دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر و عدم توجه کافی به کیفیت و استانداردهای آموزشی، افت تحصیلی و افزایش طول دوره

1. Olani
2. Academic success
۳. Astin
۴. Artino
5. Abesha
6. Lindemann, R., Duek, J., & Wilkerson, L.

تحصیلی در دانشگاه‌ها به صورت یک مشکل اساسی مطرح شده است و به تدریج تشدید می‌شود (طبرسا و همکاران، ۱۳۹۱، آقاملایی و همکاران، ۱۳۸۵ و پرند و همکاران، ۱۳۹۲).

افت تحصیلی به معنی کاهش عملکرد دانشجویان از سطحی رضایت‌بخش به سطحی نامطلوب و نزول آن از یک سطح بالاتر به یک سطح پایین‌تر در آموزش و در واقع به معنی عدم موفقیت در تحصیل تعریف می‌شود. از جمله معیارهای تشخیص افت تحصیلی؛ افت معدل نیمسال قبل نسبت به این مقدار در نیمسال ماقبل، تجدید یا تکرار درس، طولانی شدن مدت تحصیل و همچنین مشروطی (معدل کمتر از ۱۲ در هر نیمسال تحصیلی) که هر کدام از مصادیق مهم افت تحصیلی به شمار می‌آیند، قابل ارزیابی است (اسماعیل پور و همکاران، ۱۳۹۴). افت تحصیلی و سنوات تحصیلی شاخصی است که نشان می‌دهد دانشگاه در این زمینه دارای ضعف است و نیاز به ترمیم آسیب مورد نظر دارد. نظام آموزشی مجموعه‌ای پیچیده است که در آن اجزا و زیر نظام‌ها به گونه‌ای سازمان‌یافته در تعامل مداوم، هدف‌های تعیین‌شده را تحقق می‌بخشد (گودرزی، ۱۳۹۲). در تحقیقی که ون دی اسکات، یرکس، مو و سونولد^۱ در سال (۲۰۱۳) تحت عنوان شناسایی عوامل تأخیر، توصیف تأخیر دوران دکتری تخصصی در بین دانشجویان دکتری انجام داد، در این مطالعه محققان به توصیف ناخواسته بودن و عدم تمایل دانشجویان برای افزایش سنوات توضیح دادند و همچنین افزایش سنوات تحصیلی را برای دانشگاه‌ها مخرب دانستند. به عقیده این محققان افزایش سنوات دوره دکتری منجر به استرس و تنش‌های فردی شده، زمان و منابع ارزشمند را از دست داده و همچنین از مزایای رقابتی پروژه و فارغ‌التحصیلی محروم می‌مانند.

علل و عوامل مختلفی افزایش طول دوره‌های تحصیلی دانشجویان را تبیین می‌کنند. این عوامل را بنا به چارچوب‌های نظری، تحقیقات پیشین، تجربه افراد درگیر در مسئله، یعنی دانشجویان و اساتید، همچنین، تحلیل موانع و مشکلات ساختاری و نهادی، می‌توان در ابعاد مختلفی دسته‌بندی کرد و میزان اثرگذاری هر کدام بر افزایش طول دوره‌های تحصیلی و سنوات را ارزیابی کرد. از آنجاکه دانشگاه علامه طباطبائی یک دانشگاه دولتی است و با پرداخت هزینه‌های آموزشی از سوی دولت اداره می‌شود، اخراج یا ترک تحصیل، علاوه بر خسارات فردی، خانوادگی، اجتماعی و روانی، خسارات زیادی از نظر اقتصادی بر دولت و سیستم مالی دانشگاه وارد می‌کند. مسلماً، یافتن عوامل تأثیرگذار بر افزایش طول دوره تحصیلی دانشجویان، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت، می‌تواند به ارائه خدمات کیفی‌تر آموزش به ذینفعان، منجر شود و در نتیجه، به دوام بیشتر این سازمان‌ها کمک شایان توجهی کند. بدیهی است در کنار شناسایی عوامل راهکارهای رفع این مسائل نیز باید مورد بررسی قرار گیرند تا در کنار عوامل مؤثر راهکارهای اثربخش نیز شناسایی و تحلیل شوند. طی این مطالعه ضمن شناسایی عوامل مؤثر در افزایش طول دوره تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و تبیین برخی از عوامل مرتبط با آن به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که عوامل تأثیرگذار بر افزایش طول دوره‌های تحصیلی و سنوات دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه علامه طباطبائی از دیدگاه دانشجویان، اساتید و مدیران گروه‌های آموزشی کدام‌اند؟ و در نهایت اینکه راهکارهایی که برای کاهش سنوات تحصیلی دانشجویان می‌توان اتخاذ نمود کدام‌اند؟ با عنایت به اینکه تاکنون پژوهشی با این گستره و به صورت کیفی در دانشگاه علامه طباطبائی صورت نگرفته و ابعاد این موضوع مورد تحلیل قرار نگرفته پژوهش حاضر می‌تواند نسبت به شناسایی عوامل و راهکارهای غلبه بر آن‌ها به منظور رفع چالش افزایش سنوات تحصیلی مؤثر واقع شود.

موفقیت تحصیلی دانشجویان از جمله شاخصه‌های مهم در ارزیابی نظام آموزش عالی است. به عبارتی جامعه و به‌طور ویژه آموزش عالی نسبت به سرنوشت فرد، رشد و تکامل موفقیت‌آمیز وی و جایگاه او در جامعه علاقه‌مند و نگران است و انتظار دارد که فرد در ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی و همچنین ابعاد عاطفی و رفتاری پیشرفت کرده و تعالی یابد. افزایش کیفیت نظام آموزشی از جمله مؤثرترین عوامل توسعه کشورها محسوب می‌شود. نقطه مقابل موفقیت تحصیلی، افت تحصیلی است که تأثیر بسزایی در سرنوشت فرد داشته و همچنین هزینه‌های گزافی به خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کند. عواملی چون پیشینه تحصیلی ضعیف، نداشتن برنامه‌ریزی

برای مطالعه، نداشتن علاقه به رشته تحصیلی، زندگی در خوابگاه و ضعف سواد والدین می‌تواند منجر به افت تحصیلی دانشجویان شود. برای کاهش افت تحصیلی علاوه بر راه‌های درون‌سازمانی به راه‌های برون‌سازمانی نیز نیاز است. مثلاً کاهش علائق افراد به تحصیلات به‌ویژه در پسران، به‌خاطر نبود بازار کار مناسب و شایسته برای دانش‌آموختگان است. که این مهم عامل جدی در کاهش انگیزش تحصیلی در آن‌ها می‌شود. به‌طوری‌که نابرابری‌های آموزشی در شهر و روستا و نیز نابرابری‌های جنسیتی (دختران در مقابل پسران) در تحصیلات عالی که در یک دهه اخیر برعکس چند دهه قبل در نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی کشور ما رخ داده است، به دلیل عدم تطابق نیازهای بازار کار به تخصص فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها است (داوری‌نیا و کیان، ۱۳۹۸).

مطالعه و بررسی منابع و تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که موفقیت تحصیلی به‌طور کلی تحت تأثیر ۵ دسته عامل قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: متغیرهای مربوط به ویژگی‌های فردی فراگیران (جنسیت، معدل، ساعات مطالعه، روش یادگیری، اهمیت دادن به برنامه‌ریزی، انگیزه، هدف از تحصیل و خود‌پنداره تحصیلی و متغیرهای مربوط به ویژگی‌های خانوادگی فراگیران (سکونت با خانواده یا خوابگاه، شغل پدر و مادر، تحصیلات پدر و مادر، تعداد اعضای خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده، نگرش اعضای خانواده در رابطه با تحصیل و متغیرهای مربوط به ویژگی‌های مدرسان (ویژگی‌های علمی، ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های آموزشی اعضای هیئت‌علمی)، متغیرهای مربوط به برنامه و محتوای درسی، متغیرهای مربوط به محیط (تجهیزات آموزشی، تجهیزات رفاهی، محیط عاطفی آموزشی) و ملاک موفقیت تحصیلی (متغیر وابسته) معدل کل دانشجویان ترم آخر می‌باشد (نوروززاده، ۱۳۸۴) وقتی افراد از دبیرستان به دانشگاه راه پیدا می‌کنند، دنیای جدیدی را تجربه می‌کنند و با تغییرات روانی اجتماعی زیادی روبرو می‌شوند. در این میان کسانی که از خانواده، دوستان و جامعه حمایت کافی دریافت می‌کنند، سازگاری بیشتری با شرایط جدید دارند و موفقیت تحصیلی بالاتری کسب می‌نمایند. پژوهش حاضر نشان داد که میان دریافت حمایت اجتماعی و سازگاری اجتماعی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (محمود، مقبول، زایدی، آجید، جاوید و مظهر، ۲۰۲۱). لذا موفقیت برآیندی از توانایی‌های گوناگون افراد مانند توانایی‌های جمعی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آنان از یک‌سو و عوامل برانگیزاننده مانند علاقه، پشتکار و پاداش از سوی دیگر است (تمنایی فر، ۱۳۸۹).

از سویی دیگر در مطالعات صورت گرفته عوامل موفقیت را در ۲ دسته اصلی تقسیم نموده‌اند. الف) ویژگی‌های فردی فراگیران (ب) ویژگی‌های خانوادگی فراگیران. منابع نشان داد که در رابطه با ویژگی‌های فردی فراگیران معمولاً مؤلفه‌های ذیل در نظر گرفته می‌شود ۱- تجارب گذشته و رفتار ورودی شناختی ۲- انگیزه و علاقه و هدف از تحصیل ۳- روش یادگیری ۴- خودپنداره تحصیلی. عوامل خانوادگی که بر موفقیت تحصیلی تأثیرگذار است را می‌توان شامل نگرش اعضای خانواده در رابطه با تحصیل، شغل پدر و مادر، وضعیت اقتصادی خانواده دانست (شعبانی، ۱۳۸۶). فراگیرانی که در مقطع تحصیلات دانشگاهی به موفقیت تحصیلی دست یافتند اظهار داشتند که طرز نگرش خانواده آن‌ها نسبت به تحصیل بسیار مؤثر بوده است. از عوامل متعدد و ممکن تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، ساده‌ترین آن یعنی شغل پدر و مادر با علم به این‌که دلیل محکمی برای انتخاب آن وجود ندارد اما به سبب سهولت قابلیت کاربرد آن در همه کشورهای مورد مطالعه به‌عنوان شاخص اصلی تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده انتخاب شد. به‌علاوه تعداد سال‌های تحصیل پدر و مادر نیز به‌عنوان شاخص‌هایی دیگر در کنار شاخص اصلی تعیین‌گردید (هوسن^۲، ۲۰۰۰).

از جمله مؤلفه‌های دیگری که در برخی مطالعات بدان به‌عنوان عامل مؤثر در افزایش طول تحصیل دانشجویان نام برده شده است عامل اقتصاد است. محسن پور (۱۳۸۶) معتقد است که فقر و محرومیت اقتصادی به‌طور آشکارا یکی از عوامل و شرایطی است که

1. Mahmood, K., Maqbool, H., Zaidi, S. I. H., Ajid, A., Javaid, Z. K., & Mazhar, R.
2. Husen

تأثیر زیادی بر ترک تحصیل و مردودی می‌گذارد، سختی معیشت، کم غذایی، سوءتغذیه، مسکن نامناسب، بیماری، خستگی و افسردگی، کار کردن همراه با تحصیل، عدم وجود تفریح و استراحت همگی موجبات فقر و عدم حضور در مدرسه، ترک تحصیل و مردودی را فراهم می‌آورد.

به جز ویژگی‌های خود فراگیر عواملی دیگری همچون اساتید و مدرسین نیز بر عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌گذارند در هر نظام آموزشی، مدرس و شایستگی‌های او از ارکان اساسی برنامه‌های آموزشی و از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد و موفقیت تحصیلی فراگیر محسوب می‌گردد. مهم‌ترین عامل در موفقیت فرآیند یاددهی یادگیری و موفقیت تحصیلی فراگیران، مدرس و نحوه انجام فعالیت‌های اوست. اگر سایر اجزا نظام آموزش، وسایل و برنامه‌ها به‌طور مرتب تدوین شده باشند ولی مجری برنامه‌ها از کم و کیف برنامه‌ها به‌طور صحیح اطلاع نداشته باشد و روش متناسب با موضوع تدریس را انتخاب نکند، برنامه‌ها از کیفیت چندانی برخوردار نمی‌گردد (فولر^۱، ۲۰۰۵). در میان مؤلفه‌ها و عوامل آموزشی با توجه به مطالعه منابع مختلف و بررسی‌های انجام شده سه مؤلفه روش تدریس و فنون کلاس داری، سابقه تدریس، نحوه ارزشیابی در رابطه با مهارت‌های آموزشی در نظر گرفته شده است (کانگ‌اهی، ایندوشی، اوکواچ و اوسایدو^۲: ۲۰۱۲، لایت^۳: ۲۰۰۴). محققان در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که تناسب بین سبک تدریس ترجیحی معلم (مدرس) و سبک یادگیری ترجیحی دانشجویان می‌تواند به‌طور چشمگیری سبب دریافت نمره‌های پایانی و رتبه‌های تحصیلی توسط دانشجویان گردد (تولبور^۴، ۲۰۱۱؛ کانفیلد^۵، ۲۰۰۲؛ میگلیتی^۶، ۱۹۹۴؛ ماتیزو^۷، ۲۰۱۴)، بهبود انگیزش و پیشرفت دانشجویان (کانتی و ولبرن^۸، ۱۹۸۶، اشتیت-گودس^۹، ۲۰۰۳) سبب خلق محیط یادگیری سازنده و تولید محور می‌گردد (کلاکستون و مورل^{۱۰}، ۱۹۸۷). برنامه‌های درسی و محتوا نیز همواره جز عوامل تأثیرگذار و مهمی در عملکرد تحصیلی دانشجویان بوده است که پژوهش‌های پیشین این را نشان داده است. در حقیقت یک برنامه تنظیم شده، منعکس کننده راه‌حل‌ها و پیشنهادها برای برنامه‌ریزان می‌باشد (عطاخانی، ۱۳۸۵). ولی زاده (۱۳۸۶) معتقد است که یک برنامه درسی در حقیقت نقشه‌ای است که در آن فرصت‌های مناسب یادگیری برای رسیدن به هدف‌های جزئی و یا هدف‌های کلی مربوط که برای مراکز آموزش عالی در نظر گرفته شده‌اند فراهم گردیده است لذا نقصان در برنامه‌ها می‌تواند در فرایند تحصیل دانشجویان خلل ایجاد کند.

به‌طور کلی پیشرفت تحصیلی دانشجویان یکی از شاخص‌های مهم در ارزشیابی آموزش است و سطوح بالای آن می‌تواند پیش‌بینی کننده آینده روشن برای فرد و جامعه باشد (لینن برینک^{۱۱} و پنتریچ^{۱۲}، ۲۰۱۳). به‌بیان دیگر پیشرفت رفتاری است مبتنی بر وظیفه، که اجازه می‌دهد عملکرد فرد بر طبق ملاک‌های فرض شده درونی یا بیرونی مورد ارزیابی قرار گیرد (کاموراجا، کارا و شمک^{۱۳}، ۲۰۱۶). در زمینه ارزیابی آموزشی، لازم است عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل از یک مطالعه نشان داد که میان جنبه‌های مشارکت دانشجویان در ابعاد رفتاری، احساسی و شناختی با موفقیت تحصیلی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (لی، چو و ژو، ۲۰۱۸^{۱۴}). راسل^{۱۵} (۲۰۱۳) بیان می‌کند اهدافی که عموماً رفتار پیشرفت تحصیلی را

1. Bruce Fuller
2. Kang'ahi, Indoshi, Okwach& Osido
3. Laight
4. Tulbure
5. Canfield
6. Miglietti
7. Matthews
8. Conti & Welborn
9. Stitt-Gohdes
10. Claxton and Murrell
11. Linen Brink, E. A
12. Pintrich, P.R
13. Komarraja, M., Karau, S. J., Schmeck, R.
14. Lei, H., Cui, Y., & Zhou, W.
15. Russel, A.

برمی‌انگیزد به‌عنوان اهداف درونی و بیرونی طبقه‌بندی می‌کند. در اهداف درونی، اهداف مربوط به تکلیف (مثلاً تلاش برای فهم مطالب) و اهداف مربوط به خود (مثلاً بهتر از دیگران عمل کردن، اثبات هوش و تلاش) قرار دارند. و اهداف بیرونی مربوط به انسجام اجتماعی (خشنود کردن دیگران و پاداش‌ها) می‌باشند (علیوند وفا، ۱۳۹۳).

بیابانگرد (۱۳۹۳) در یک جمع‌بندی عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی را شامل **عوامل فردی** (هدف، انگیزه، هوش، توجه، برنامه‌ریزی، ابعاد شخصیتی و آمادگی جسمی و روانی) **عوامل خانوادگی و اجتماعی** (شرایط عاطفی و امنیت خانواده، شرایط اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات و سطح فرهنگ خانواده، تعداد اعضای خانواده و سبک والدینی) **عوامل آموزشی** (مهارت معلمان، شرایط آموزشی و امکانات مطلوب تحصیلی، تعداد دانشجویان کلاس و ترکیب آن‌ها، متناسب بودن هدف‌ها و محتوای برنامه‌ها با نیازها، استعدادها و علایق دانش‌آموزان، متناسب بودن مقررات، کتاب‌های درسی و مواد آموزشی، تسهیلات مدرسه و انتظارات مدرسه از دانش‌آموزان) مطرح نموده است.

مطالعات و پژوهش‌های زیادی پیرامون پیشرفت تحصیلی و اتمام به‌موقع تحصیل انجام شده است که از دیدگاه نظری محققین در هرکدام از این مطالعات و جهت‌گیری پژوهش‌ها متفاوت است. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش صالحی، عابدی و نیلفروشان (۱۳۹۸) اشاره نمود که عوامل موفقیت تحصیلی را در چهار مقوله شامل عوامل فردی پایدار، عوامل فردی ناپایدار، عوامل خانوادگی و عوامل مربوط به جو تحصیلی دسته‌بندی نموده‌اند. افضل، دلاور و افضل (۱۳۹۳) متغیرهای عامل آموزشی، عامل اجتماعی-اقتصادی، عامل فردی، عامل خانوادگی و عامل جنسیت را مهم‌ترین عوامل در افت تحصیلی شناسایی نمودند. جانزاده (۱۳۹۰) نیز در تحلیل پرونده‌های کمیسیون موارد خاص و نظرات معاونان دانشجویی ۳۳ دانشگاه دولتی مهم‌ترین علل افت تحصیلی دانشجویان را انگیزه و هدف دانشجوی، امکانات آموزشی دانشجویی، غیبت دانشجو از دانشگاه، روش‌های مطالعه دانشجوی، شرایط عاطفی و سازش نیافتگی دانشجو با محیط آموزشی، تعداد فرزندان والدین دانشجو، هوش وضعیت اقتصادی دانشجو برشمردند. یشیمبرات^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان از دو منظر عوامل درونی و بیرونی به مجموعه‌ای از عوامل شامل محیط نامطلوب دانشگاهی، تأثیر هم‌تا، منابع مادی و انسانی ناکافی و زمینه‌ی خانوادگی به‌عنوان علت‌های اصلی پیشرفت تحصیلی ضعیف دانشجویان دست یافتند.

برخی مطالعات و پژوهش‌ها فقط از یک منظر مشخص به بررسی تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی و طولانی شدن دوره تحصیل دانشجو پرداخته‌اند. نامنی و طالع پسند (۱۳۹۴) در یک مطالعه جامع اقدام به شناسایی شاخص‌های پذیرشی مؤثر در موفقیت تحصیلی دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد در رشته‌های مهندسی و مدیریت پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که رشته تحصیلی مقطع کارشناسی (مهندسی)، پذیرش از طریق آزمون اختصاصی (با وزن منفی)، معدل کل مقطع کارشناسی، نوع دانشگاه محل تحصیل مقطع کارشناسی (دولتی) به ترتیب، مؤثرترین عوامل موفقیت در مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند. کوهی نصرآبادی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی نقش عوامل سازمانی در تحصیل دانشجویان مهم‌ترین عوامل را مشتمل بر عدم سازگاری با محیط، ادراک ناکارآمدی از رشته تحصیلی، انعطاف‌ناپذیری، ویژگی‌های ارزشیابی تحصیلی و غلبه دروس نظری شناسایی نمودند. علاوه بر این عوامل سه عامل فراغت و دسترسی به امکانات فراغتی، بافت جامعه محلی دانشگاه و نسبت دانشجو به استاد نیز نقش مداخله‌گر داشتند. التورکی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای نشان دادند که فعالیت‌های فوق‌برنامه، روش تدریس و ساعات کلاسی عوامل مهمی هستند که پیشرفت تحصیلی دانشجویان را تعیین می‌کنند. لی و مالیک^۳ (۲۰۱۵) و الحجیرف و الاسفور^۴ (۲۰۱۴) نقش

^۱ Yeshimebrat

^۲ Alturki, Hulpus & Stuckenschmidt.

^۳ Lee and Mallik

^۴ Alhajraf and Alasfour

خصیصه‌های جمعیت شناختی و تحصیلی دانشجویان روی پیشرفت تحصیلی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که صلاحیت‌های ورودی، سن، جنس، رشته‌ی دوران دبیرستان و میانگین نمراتشان در دبیرستان بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثر است. برخی مطالعات نیز ویژگی‌های دانشجویان مربوط به دوران قبل و بعد از ورود آنان به دانشگاه را بررسی کردند (حسینی و بذرافشان، ۱۳۹۷) و برخی دیگر سبک آموزش، صلاحیت مدرس، نحوه ارائه و سرعت ارائه مطالب، روابط با دوستان و کیفیت مطالعه، را مورد توجه قرار داده‌اند (یوسف، ۲۰۱۷؛ گانیفوا^۱، ۲۰۱۳؛ ایلماز^۲، ۲۰۲۰). همچنین بررسی تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر عملکرد تحصیلی در مطالعات مختلف ملاحظه می‌شود (راجاندران و همکاران^۳، ۲۰۱۵؛ اوکیوجا^۴، ۲۰۱۳؛ اشتو^۵، ۲۰۱۵).

با بررسی مطالعات پیشین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مجموعه‌ای از عوامل محیطی اعم از محیط خانوادگی، محیط آموزشی و محیط‌های کلان فرهنگی و اجتماعی بر رشد شخص تأثیر دارد و در موفقیت و عدم موفقیت وی در تمامی ابعاد رشد به‌ویژه در عرصه یادگیری و به‌طور خاص در فعالیت‌های تحصیلی در همه گروه‌های سنی به‌ویژه در گروه سنی موردنظر این پژوهش یعنی جوانان تأثیر می‌گذارد. در این میان نقش عوامل سه‌گانه فردی، آموزشی و خانوادگی نسبت به دیگر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر این مبنای در این پژوهش با در نظر گرفتن این سه عامل کلی نسبت به میزان تأثیرگذاری و اولویت‌بندی میان مؤلفه‌های موجود در هر یک از این عوامل کلی، در هر بخش تنها به مؤلفه‌های پراهمیت‌تر آن اشاره می‌شود و به مقایسه این مؤلفه‌ها و تأثیر آن‌ها بر افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان پرداخته خواهد شد. بررسی پیشینه‌های مطالعه حاضر نشان داد که اکثر تحقیقات انجام‌شده در این زمینه درباره افت تحصیلی بوده است که اکثراً به‌صورت کمی انجام‌شده است که با تأکید بر یکسری عوامل خاص انجام‌شده است. با توجه به این موارد این مطالعه با شناسایی خلأ پژوهشی به بررسی تمامی عوامل اجتماعی، اقتصادی، سازمانی، آموزشی و شخصی مؤثر بر عملکرد دانشجویان در قالب یک پژوهش کیفی جای بگیرد.

روش

در این پژوهش، برای فهم عمیق از پدیده «طولانی شدن دوره تحصیلی و افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان» از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شد. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات سه اقدام به‌طور هم‌زمان انجام شد. مصاحبه‌های عمیق، بررسی اسناد و بررسی متن درخواست‌های دانشجویان. در بخش مصاحبه‌های عمیق به‌صورت هدفمند نظری از میان دانشجویان دارای اضافه سنوات تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری و اساتید راهنمای ایشان، مدیران گروه‌ها و معاونین آموزشی دانشکده‌ها نمونه‌گیری انجام شد. بدین منظور با ۱۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، ۹ دانشجوی دکتری ۶ مدیر گروه و ۵ نفر معاون آموزشی مصاحبه به عمل آمد. نمونه‌گیری در این بخش بر اساس قوانین تحقیقات کیفی تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت که پس از اجرای ۳۰ مصاحبه این مقصود حاصل گردید لذا تا ۳۳ مصاحبه جمعاً ادامه یافت. سؤالات مصاحبه بر اساس بررسی پیشینه پژوهش و تجربه زیسته محقق در گفتگوی مقدماتی با دانشجویان و برخی متولیان آموزش دانشگاه انجام شده است و سعی شده است جوانب مختلف درون سیستمی و برون سیستمی مورد بررسی قرار گیرند. علاوه بر مصاحبه‌های عمیق به بررسی اسناد کمیسیون موارد خاص دانشگاه نیز پرداخته شده است. در این راستا پرونده‌های متقاضیان اخذ سنوات در کمیسیون موارد خاص از تاریخ ۹۴/۱۲/۱۵ تا ۹۶/۳/۲۷ به تعداد ۳۲۲۴ پرونده و ۲۳ درخواست دانشجویانی که متقاضی سنوات بوده‌اند بر اساس فرم طراحی شده توسط محقق مورد بررسی قرار گرفت لازم به ذکر است

1. Ganyaupfu
2. Yilmaz
3. Rajandran & et al.
4. Okioga
5. Eshetu

در این بخش تمام پرونده‌ها و درخواست‌ها مورد بررسی قرار گرفته و تمام شماری انجام شده است. به‌منظور تحلیل داده‌ها کلیه مصاحبه‌ها ضبط و سپس به‌صورت مکتوب درآمده و به همراه مستندات کمیسیون موارد خاص و درخواست‌های دانشجویان مورد تحلیل قرار گرفتند. به عبارتی پس از آشنا شدن با داده‌ها، کدهای اولیه ایجاد و با جست و جو و شناخت مضامین، شبکه مضامین ترسیم و تحلیل و سپس گزارش آن تدوین شد و در قالب یک طبقه‌بندی فراگیر ارائه شدند. همچنین به‌منظور بررسی روایی و قابلیت اعتماد یافته‌ها از روش کنترل توسط اعضا^۱، نظرات متخصصان آموزش عالی در حوزه مورد مطالعه و همچنین به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه نیز در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. بدین منظور یافته‌ها پس از طبقه‌بندی و احصا مجدد در اختیار چندین مدیر گروه، معاون آموزشی و برخی دانشجویانی که مشمول سنوات شده بودند و در مصاحبه‌ها مشارکت داشتند ارسال شد و نقطه نظرات تکمیلی آن‌ها دریافت گردید.

یافته‌ها

هدف اصلی این پژوهش دستیابی به علل مؤثر بر افزایش سنوات دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. به همین علت سه اقدام انجام شد. ابتدا بررسی اسناد کمیسیون موارد خاص دانشگاه و سپس بررسی درخواست‌ها و مصاحبه با دانشجویان و استادان. ابتدا مهم‌ترین علل در درخواست‌های دانشجویان از کمیسیون موارد خاص برای اخذ سنوات ارائه شده است. و سپس یافته‌های مصاحبه‌ها در قالب ۲ عنوان علل افزایش سنوات و پیشنهادها و راهکارهای کاهش سنوات ارائه خواهند شد.

الف) دلایل اخذ سنوات مبتنی بر صورت جلسات کمیسیون موارد خاص

جدول ۱: دلایل اخذ سنوات دانشجویان در کمیسیون موارد خاص

ردیف	دلیل اخذ سنوات	تعداد	ردیف	دلیل اخذ سنوات	تعداد
۱	مشکلات اجرای پایان‌نامه و رساله	۱۰۸۹	۱۰	بارداری و زایمان	۱۲۶
۲	بیماری خود و نزدیکان	۳۸۶	۱۱	فقر منابع	۱۱۴
۳	طولانی بودن فرایندهای تصویب و تأیید	۳۵۷	۱۲	مشکلات مالی	۸۷
۴	عدم طرح مشکل خاص از سوی دانشجو	۳۴۲	۱۳	بهره‌مندی از سهمیه	۸۳
۵	اشتغال و مشغله کاری	۳۰۰	۱۴	فوت نزدیکان	۶۸
۶	مشکلات خانوادگی	۲۱۴	۱۵	ازدواج	۴۳
۷	مشکلات شخصی زندگی	۱۷۱	۱۶	عدم حمایت تیم راهنمایی	۳۸
۸	آزمون جامع	۱۵۴	۱۷	مأموریت‌های کاری	۱۶
۹	فرایند زمان‌بر چاپ مقاله	۱۳۹	۱۸	انباشتگی کارهای واحدهای درسی	۱۳

همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است مهم‌ترین عامل در تطویل سنوات دانشجویان به لحاظ فراوانی مسائل مربوط به اجرای رساله و پایان نامه هستند که به لحاظ تعداد واریانس بسیار زیادی با سایر علت‌ها دارد. لازم به ذکر است دلایل بر اساس مواردی احصا شده است که خود دانشجویان ذکر کرده‌اند و دسته‌بندی محتوایی و مقوله‌بندی در این بخش صورت نگرفته است و جنبه سرشماری داشته است. شاید ضعف در روش تحقیق و ناتوانی‌های آماری یکی از مهم‌ترین علل در این رخداد باشد که موضوع به کاستی در نحوه اجرای درس روش تحقیق یا سرفصل آن برمی‌گردد. عدم همکاری سازمان‌ها و نهادها در اجرای رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و حتی عدم همکاری متخصصین و خبرگان که خود نیز مرجعیت علمی دارند یکی از مهم‌ترین نکاتی است که خود نیازمند آسیب‌شناسی و علت‌یابی دقیق است. پس‌ازاین عامل به ترتیب بیماری دانشجویان اطرافیان، طولانی بودن فرایندهای تصویب و تأیید، اشتغال و مشغله کاری علت‌های بعدی تطویل سنوات دانشجویان بودند. نکته مهم عدم طرح مشکل خاصی از سوی حدود ۳۴۲ دانشجو است. به عبارتی هیچ دلیل روشن و منطقی را ذکر نکرده‌اند. این نکته این موضوع را می‌رساند که دانشجو بنا به برخی دلایل مبهم که شاید ناشی از بی‌انگیزگی‌های فردی و جو روانی اجتماعی نسبت به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها وجود دارد میلی به اتمام تحصیل ندارند. سایر علل نیز هر کدام وزن مشخصی در تطویل سنوات دانشجویان دارند. لازم به ذکر است در بررسی پرونده‌ها بعضاً یک دانشجو چندین علت را ذکر نموده است.

ب) یافته‌های برآمده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته

در پاسخ به این سؤال، علل به‌دست‌آمده در دو گروه کلی (برون سیستمی و درون سیستمی) دسته‌بندی شد که هر کدام از این گروه‌ها دربردارنده چندین مقوله و هر مقوله دربردارنده چندین مفهوم خواهد بود که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم. لازم به توضیح است که انجام دسته‌بندی در دو گروه (برون سیستمی و درون سیستمی) برای انسجام مطالب، درک بهتر و ساده‌تر کردن آن است.

علل برون سیستمی

در بررسی علل مؤثر بر تأخیر سنوات دانشجویان تحصیلات تکمیلی دو دسته از عوامل مورد نظر قرار گرفتند. دسته اول علل برون سیستمی بودند. منظور از علل برون سیستمی، عللی هستند که خارج از نظام آموزشی و دانشگاهی قرار دارند و کاملاً مجزا از دانشگاه می‌باشند ولی با تأییراتی که بر روند تحصیلی دانشجو باقی می‌گذارند می‌توانند سبب اختلال در نظام دانشگاهی شوند. همچنین لازم به توضیح است که این عوامل به‌طور مستقیم قابل کنترل و در دسترس نظام دانشگاهی نیستند ولی بر عملکرد نظام آموزشی تأثیر می‌گذارند. علل برون سیستمی دربردارنده ۳ مفهوم و ۱۲ مقوله هستند که در جدول شماره ۲ ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۲- جدول مقوله‌ها و مفاهیم علل برون سیستمی افزایش سنوات

مفاهیم	مقوله‌ها	
عدم حمایت جامعه از دانشجو	اقتصادی و اجتماعی	علل برون دستگاہی افزایش سنوات
کاربردی نبودن رشته‌های دانشگاهی در بازار کار		
اشتغال حین تحصیل		
تنگناهای مالی و مسئولیت زندگی	فردی و خانوادگی	
بیماری فرد و مسائل مرتبط با بیماری یا فوت اعضای خانواده		
سردرگمی، سهل‌انگاری و بی‌انگیزگی		
مسائل مرتبط با فرزند آوری، ازدواج و طلاق فرد		

دوری از دانشگاه و سکونت در شهرستان		دغدغه‌های علمی فرا دانشگاهی
نظام‌وظیفه		
یادگیری زبان		
حضور در مسابقات علمی غیردانشگاهی		
کنکور دکتری		

اقتصادی و اجتماعی

علل اقتصادی و اجتماعی جزو علل بسیار مهم و مؤثر برافزایش سنوات دانشجویی است. این دسته از علل خصوصاً در مقطع ارشد و دکتری بسیار تأثیرگذار می‌باشند زیرا دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی در سنینی هستند که انتظار می‌رود درآمد مالی مستقلی داشته باشند و عهده‌دار مخارج خود و حتی افراد خانواده خود نیز باشند و با توجه به شرایط اجتماعی و نبود بستر مناسب شغلی، این عامل سبب عدم تمرکز دانشجو در قبال دانشگاه و تعهدات علمی‌اش می‌شود. علل اقتصادی اجتماعی ۴ مقوله را دربردارد. این دسته از علل نشان‌دهنده کم‌ارزش شدن علم و عالم در جامعه است و البته لازم به ذکر است که نظام آموزشی نقشی در ایجاد آن‌ها ندارد ولی این دسته از علل سبب دلسردی دانشجو و ایجاد اختلال در عملکردش و نهایتاً ایجاد مشکل برای نظام دانشگاهی می‌شوند.

اولین مفهوم «عدم‌حمایت جامعه از دانشجو» است که با تأثیر بر عملکرد دانشجو سبب دلسردی او می‌گردد. به عبارتی ساختار اجتماعی جامعه به‌گونه‌ای است که عملاً حمایت نظام‌مندی از دانشجویان از منظر اقتصادی و اجتماعی صورت نمی‌گیرد. دانشجوی شماره ۶ بیان کرد " با یکی از دوستانم که رتبه ۵ لیسانس و رتبه ۱۲ فوق لیسانس بود صحبت می‌کردم، می‌گفت من واقعاً دیگه انگیزه‌ای برای دفاع کردن ندارم تو این شرایط تو این وضعیت اجتماعی". در تأیید تأثیر این مقوله بر افزایش سنوات استاد شماره ۷ اشاره کرد " به‌هرحال وضعیت اجتماعی ما، فشارهای اقتصادی و مسائل دیگر که در جامعه هست ما از آن متأثر می‌شویم ولی چندان در آن دخیل نیستیم. خود این عامل منفی هست برای این‌که پشتکار را از بین به بره و زودتر بتواند دوره را تمام کند". هم‌چنین استاد شماره ۱۰ تأکید داشت "نبود کار و چشم‌انداز روشن کاری علت تأخیر در دفاع است".

دیگر مفهوم بسیار مهم که سبب دلسردی دانشجویان می‌شود «کاربردی نبودن رشته‌های دانشگاهی در بازار کار» است. دانشجوی شماره ۱ بیان کرد " رشته من متأسفانه به لحاظ اجتماعی و عمومی و شغلی تقریباً هیچ عایدی ندارد چراکه تناسبی با نیاز بازار کار ندارد". دانشجوی شماره ۳ بیان کرد " رشته من، رشته کارآمدی هست اما بسترهایش در این جامعه فراهم نشده ".

دانشجوی شماره ۴ تأکید کرد " رشته‌ی تحصیلی‌ام به‌خودی‌خود رشته‌ی خوب و جذابی است، اما متأسفانه فکری برای بازار کار آن نشده است".

مفهوم سوم «**اشتغال حین تحصیل**» است. منظور این مقوله آن است که افراد به خاطر رفع دغدغه‌های مالی مجبور به داشتن شغل هستند و تمرکز بر روی شغل مانع تمرکز آن‌ها بر پایان‌نامه می‌شود. برای بیان نحوه تأثیر این مقوله بر تأخیر سنوات به سخن دانشجوی شماره ۱۴ اشاره می‌شود: " واقعاً با اشتغال نمی‌شود کار علمی انجام داد، باید برای معاش زندگی یکجا حمایتت کند و بنشیند کار علمی انجام دهی". همچنین دانشجوی شماره ۸ اشاره کرد "تقریباً به حالت نیاز مالی و بحث شغلی و این‌ها باعث شد که از پایان‌نامه دور بشم و از پایان‌نامه عقب بیفتم". استاد شماره ۵ نیز گفت " دانشجوی دکتری ما با همه استعداد نمی‌توانم کنترلش کنم چون مدام درگیر مسائل مالی زندگی است".

علل فردی و خانوادگی تأخیر سنوات

علل فردی و خانوادگی دربردارنده ۵ مفهوم می‌باشد که بیان‌کننده مسائل مربوط به زندگی خصوصی فرد و خانواده او است که با آن‌ها درگیر شده و مانع تمرکز فرد بر روی درس و پایان‌نامه او می‌شود. به عبارتی مسائل زندگی فردی و خصوصی افراد به‌گونه‌ای است که موجب طولانی شدن تحصیل دانشجویان می‌شود. بدیهی است که اولویت هر انسانی رفع مسائل زندگی شخصی است و تحصیل نیز نیازمند آرامش و ثبات فردی است.

مفهوم اول «**بیماری فرد و مسائل مرتبط با بیماری یا فوت اعضای خانواده**» می‌باشد. این عامل به‌عنوان یکی از عوامل برون سیستمی می‌باشد که سبب ایجاد موانعی بر سر راه تحصیلی دانشجوی می‌شود. دانشجوی شماره ۱۱ در توضیح این مورد اشاره کرد "اون موقع که به همسرم کمک می‌کردم تو کاره‌اش دیسک کمر پیدا کردم. این قدر مشکلات من زیاد شد که اصلاً دچار افسردگی شدید شدم". استاد شماره ۱ نیز بیان می‌کند " وقتی که دانشجو مثلاً بیماری پیدا می‌کند یک مقدار خیلی طبیعی است که طرف درس نیاد". استاد شماره ۵ تأکید کرد " یه عامل دیگه فوت نزدیکانه. یعنی پدر یا مادر که فوت می‌کنه بچه‌ها دچار افسردگی میشن. ناراحت میشن یه عامل دیگه بیماری نزدیکانه. مثلاً سرطان گرفته، سخته کرده کسی نیست نگهش داره. بچه‌ها مجبور میشن پدر و مادر رو نگه دارن".

مفهوم دوم «**سردرگمی، سهل‌انگاری و بی‌انگیزگی**» هست. دانشجوی شماره ۷ که علت افزایش سنواتش را این مورد بیان می‌کند در توضیح اشاره کرد "خودم اگر بخویم بگم یک علت تأخیر کارم بی‌انگیزگی خودم بودم. خیلی پایان‌نامه رو جدی نگرفتم". دانشجوی شماره ۸ نیز بیان کرد " عدم جدیت و یه مقدار تنبلی من تو اون فرصت‌هایی که به دست می‌آوردم باعث شد من ترم ۷ بشم و به پایان‌نامه نرسم". استاد شماره ۹ در توضیح این مورد اشاره می‌کند "خیلی از دانشجو‌ها چه ارشد و چه حتی دکتری خیلی تصور درستی از هدفشون، انگیزشون و دلیلشون از تحصیل تو این دوره ندارن".

مفهوم سوم مورد نظر عبارت است از «**مسائل مرتبط با فرزند آوری، ازدواج و طلاق**». برای توضیح بیشتر این مقوله به گفته مشارکت‌کننده شماره ۴ اشاره می‌شود که بیان داشت " من متأهل هستم و با مشکل ناباروری مواجه بودیم خانواده هفت هشت سال این مشکل رو داشتیم و اصلاً دلم به درس و پایان‌نامه نمی‌رفت". مشارکت‌کننده شماره ۱۳ اشاره کرد "من باردار بودم دخترم اوایل فروردین به دنیا اومد بعد من یخورده اون اول دخترم مشکلات داشت دیگه نتونستم خیلی پیگیری کنم". طلاق نیز به‌عنوان یکی از مسائل زندگی مشترک به سبب بحران‌هایی که برای فرد ایجاد می‌کند، مانع تمرکز او بر امور درسی می‌گردد. استاد شماره ۸ بیان کرد "عامل مهم، طلاقه که من چندین شاگرد داشتم تو مقطع دکترا یا حتی کارشناسی و کارشناسی ارشد طلاق باعث شد دچار مشکل بشن و نمی‌تونستن دیگه ادامه بدن".

دیگر مفهوم مرتبط با این مفهوم، «دوری از دانشگاه و سکونت در شهرستان» بود. با توجه به اینکه اکثر دانشجویان دانشگاه‌های سراسری از نقاط مختلف کشور می‌باشند، تعلق داشتن به جایی غیر از تهران سبب می‌شود تا فرد بنا به هر دلیل از فضای درس و دانشگاه به دور باشد و درگیر رفت‌وآمد و مسائل مربوط به آن شود و همین امر مانع تمرکز حواس می‌شود. دانشجوی شماره ۶ بیان کرد "یه مشکل شخصی داشتم و تقریباً یه سال دانشگاه نیومدم. شهرستان بودم. بعد اینکه خوابگاهم نداشتم و این مانع بزرگ انجام دفاع بنده بود". استاد شماره ۴ اشاره کرد " دانشجویان شهرستانی که اصلاً امکان بودن در تهران را ندارند باعث دوری از فضای درس و دانشگاه می‌شود".

مفهوم مهم دیگر که سبب افزایش سنوات آقایان می‌شود «**نظام‌وظیفه**» است. برای توضیح این مقوله به سخن دانشجوی آقای شماره ۲۱ اشاره می‌شود که گفت "دغدغه‌ی سربازی داشتم، می‌خواستم حتماً تا ترم پنجم ادامه پیدا کنه چون اگه ادامه پیدا نمی‌کرد من باید می‌رفتم سربازی". هم‌چنین، استاد ۵ اشاره کرد "پسرا برای اینکه نرن سربازی، سعی می‌کنن که این فارغ‌التحصیلی رو تعویق بندازن اصلاً دفاع نمی‌کنن".

دغدغه‌های علمی فرا دانشگاهی

دومین مقوله مؤثر در بین عوامل درون دستگاہی عبارت است از «دغدغه‌های علمی فردانگاه‌ی» است. بدان معنی که دانشجویان بعضاً اولویت‌های علمی دیگری که خارج از ساختار رسمی دانشگاه است دارند و پرداختن بدان‌ها نیازمند صرف وقت و هزینه است. از جمله یادگیری زبان‌های خارجی، شرکت در مسابقات علمی و سفرهای علمی مرتبط با رشته و یا آمادگی برای شرکت در کنکور دکتری که خود هم‌زمان با اجرای فعالیت و عملیات مربوط به پایان‌نامه است و موجب تأخیر در اجرای فعالیت پژوهشی دانشجویان می‌شود. این مفهوم دربردارنده ۳ مفهوم می‌باشد. اولین مفهوم عبارت است از «**یادگیری زبان**» که به‌عنوان دغدغه برخی دانشجویان عنوان شده است که گاهی مانع تمرکز کافی بر دروس دانشگاهی می‌شد و جزو اولویت‌های اصلی فرد قرار می‌گرفت. دانشجوی شماره ۱ گفت "من در کنار درسم برنامه‌ریزی کرده بودم برای همین به‌منظور ارتقای تحصیل، زبان آلمانی‌ام را بخوانم، بخشی از زمانم را به آن اختصاص دادم و یکی از علت‌های دیرکرد سنوات همین مورد می‌تواند باشد". دانشجوی شماره ۸ گفت "کلاس زبانی که شروع کرده بودم اون رو هم رها نکردم چون به سطوح بالاتر رسیده بودم و این باعث شد که تو اون تابستون دفاع نکنم". دومین مفهوم این مقوله، "**حضور در مسابقات علمی غیردانشگاهی**" بود. دانشجوی شماره ۸ اشاره کرد "من تو اون مقطع افتادم دنبال مسابقه علمی بود که درگیر اون شدم و نتونستم رو پایانام وقت بذارم، چون کل وقتمو اون مسابقه می‌گرفت".

سومین مفهوم اگرچه صرفاً برای دانشجویان کارشناسی ارشد مصداق دارد ولی با توجه به فراگیری آن به بحث بررسی می‌پردازیم و آن‌هم «**کنکور دکتری**» بود که با درگیر کردن چندماهه دانشجویان کارشناسی ارشد مانع تمرکز بر روی پایان‌نامه می‌شود، به‌طوری‌که استاد شماره ۸ بر اساس تجربیاتش گفت "بعضی هاشون هم برای کنکور دکترا درگیر میشن کنکوری که معمولاً برگزار میشه، اینا سعی می‌کنن که مثلاً درس بخونن دفاعشون رو انجام نمیدن برای اینکه بتونن کنکور هم قبول بشن یه مقدار در دفاع مخصوص کارشناسی ارشد در دفاع تعلل می‌کنند". دانشجوی شماره ۸ نیز بیان کرد "تو اون مقطع من یک ماه فاصله داشتم با آزمون دکتری که خب سعی می‌کردم یعنی دوست داشتم یه جوری همه رو باهم هندل کنم که همین عامل هم سبب تأخیر چندماهه شد".

عوامل درون سیستمی

این بخش از علل دربردارنده عوامل مؤثر برافزایش سنوات است که متأثر ضعف و اختلال در درون سیستم آموزشی و دانشگاهی می‌باشد و در نتیجه بر کارکرد همین بخش نیز تأثیرگذار خواهد بود. این دسته دربردارنده ۴ مفهوم می‌باشد که هرکدام از این مفاهیم

مقولاتی را دربردارند که در ادامه توضیحات لازم ارائه خواهد شد. به‌طور کلی عوامل درون سیستمی دربردارنده ۵ مقوله اصلی است که هرکدام مفاهیمی را دربردارند که در جدول شماره ۲ به‌طور خلاصه آورده شده است.

جدول شماره ۳- جدول علل درون سیستمی افزایش سنوات

مفاهیم	مقوله‌ها		
تحکم علمی و عدم ثبات نظر استاد	رفتار غیر حرفه‌ای استادان	علل درون سیستمی افزایش سنوات	
تعامل ضعیف استاد و دانشجو			
اساتید پرمشغله و کم‌کاری علمی			
انجام پژوهش زمان‌بر با ارزش علمی و کاربردی	مشکلات اجرای پایان‌نامه		
ضعف در دسترسی به پایگاه‌های اطلاعات علمی			
لینک شدن با سازمان‌ها و دریافت حمایت از پایان‌نامه			
عدم توافق اساتید با همدیگر			
کلاس‌های نظری فشرده و غیر کاربردی	مسأله‌مند نبودن دوره‌های آموزشی		
پژوهش‌ها و تحقیق‌های غیر هدفمند	ضعف علمی دانشجویان		
ضعف علمی دانشجویان تغییر رشته‌ای			
پایه ضعیف علمی دانشجویان			
آزمون جامع و الزامات آن	ضعف فرایندها و سیستم آموزشی		
الزام کسب پذیرش مقاله برای دفاع			
فرایند تصویب پروپوزال			
فرایند اداری معیوب و ضعف کارشناسان			
عدم تناسب امکانات با تعداد دانشجویان			

رفتار غیر حرفه‌ای استادان

شغل استادی دانشگاه همانند سایر مشاغل حرفه‌ای دارای اصول و شایستگی‌هایی است به‌ویژه اینکه سطح و درجه لزوم حرفه‌ای بودن در شغل استادی دانشگاه بالاتر از سایر مشاغل دیگر است. در متون مختلف علمی در خصوص این شایستگی‌ها مطالب و محتوای گوناگون دیده می‌شود که در این مجال نمی‌گنجد اما عدم رعایت این اصول باعث ایجاد مسائل و مشکلاتی برای دانشجو و گاه‌ا استادان شود. رفتار غیر حرفه‌ای استادان در هدایت و راهبری رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها موجب دل‌زدگی دانشجویان و پایین آمدن انگیزه ایشان در اجرای پژوهش می‌شود. این مقوله از سه مفهوم شکل گرفته که در ادامه به توضیح آن‌ها خواهیم پرداخت. اولین مفهوم در این مفهوم عبارت است از «**تحکم علمی و عدم ثبات نظر استاد**» است. تحکم علمی از ۲ منظر قابل بررسی است. یکی از بعد عدم پذیرش نظرات دانشجویان توسط استاد و لزوم اطاعت بی‌چون‌وچرای دانشجو از نظرات استاد است و دیگری سخت‌گیری‌های غیرعلمی است. دانشجوی شماره ۴ عنوان کرد «سلیقه‌ی اساتید به من اعمال شد و خودشون موضوع دادن و موضوع مورد نظر من کلاً حذف شد، یه موضوعی به من تحمیل شد». دانشجوی شماره ۲ در این باره گفت «استادم خیلی استاد سخت‌گیر بودند اما خیلی طولانی شد، چون خیلی ایرادهای زیادی می‌گرفتند که لازم نبود و می‌شد من بهمن دفاع کنم». دانشجوی شماره ۱ تأکید کرد «بارها کارم را پیش استادم بردم ولی می‌گویند نه خوب نیست اصلاح بشود نه خوب نیست و راهنمایی دقیق هم نمی‌کنند».

دومین مفهوم «**تعامل ضعیف استاد و دانشجو**» است. در توضیح این مقوله باید اشاره کرد که در واقع نوع برخورد اساتید سبب می‌شود که دانشجو از ادامه مسیر علمی خود دلسرد شود و نه تنها انگیزه‌اش بیشتر نشود بلکه همان انرژی و انگیزه کمی که داشته

بود از بین برود، حس همدلی یا عدم همدلی از سوی استاد به دانشجو می‌تواند بسیار در ادامه این مسیر مؤثر و تعیین‌کننده واقع شود و طبیعتاً نبود چنین تعاملی به‌سختی ادامه این مسیر می‌افزاید. دانشجوی شماره ۵ در این باره بیان کرد "به‌نظر من دلسردی تو این مدت خیلی زیاد بود یعنی اینکه اون حس همدلی بین استاد و دانشجو نبوده یعنی مثلاً من خودم فکر می‌کردم که جدام از استاد و استادم جدام از فرآیند کار من". دانشجوی شماره ۶ در تأیید همین مطلب بیان کرد "استاد باید جوری صحبت کنه که شاید اصلاً راهنمایی نکنه ولی احساس می‌کردی که اونم باهات شریکه تو کار، اونم می‌خواد که کارت خوب پیش بره".

سومین مفهوم در این مفهوم «اساتید پرمشغله و کم‌کاری علمی» می‌باشد که بسیار موردنظر دانشجویان قرار داشت. منظور نظر این مقوله، اساتیدی هستند که وظایف دانشگاهی را در اولویت‌های بعدی قرار می‌دهند و یا هدایت تعداد زیادی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را عهده‌دار می‌شوند و وقت چندانی برای دانشجو اختصاص نمی‌دهند.

دانشجوی شماره ۲ بیان کرد "استاد راهنمای من با همه وجودی احترامی که براشون قائم سرشون خیلی شلوغ بود. یک ماه و نیم یک ماه نیم‌دست ایشان می‌ماند و از سرعت کار من کم می‌کرد". دانشجوی شماره ۱۸ بیان کرد "برخی اساتید خیلی سخت پیدا میشن و خودشون دغدغه بیرون از دانشگاه زیاد دارن و یادشون می‌ره که اصلاً کار در چه مرحله‌ای بود". استاد شماره ۶ نیز در تأیید همین مورد بیان کرد "خود استادان ما گرفتاریشون آن قدر زیاده و درگیر کارها و جلسات مختلف هستند و این وسط کار دانشجو می‌مونه". استاد شماره ۷ تأکید کرد "اگر تعداد دانشجویان هر استادی مشخص شود خیلی خوب است چراکه این باعث افت کار دانشجویان می‌شود". استاد شماره ۹ تأکید کرد "اگر تعداد پایان‌نامه‌ها کنترل نشود و آموزش اعمال قدرت نکند صدمه زیادی وارد می‌شود".

مشکلات اجرای پایان‌نامه / رساله

سومین مقوله مؤثر «مشکلات اجرای پایان‌نامه» است. انجام پژوهش‌های ناب و کاربردی خود مشمول زمان و انرژی و بعضاً صرف هزینه است که در توان دانشجویان نیست. از طرفی کسب حمایت از سازمان‌ها و نهادهای بیرونی دانشگاه برای اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نیازمند تعاملات سیستماتیک یا ارتباطات شخصی است که ضعف‌های درون سیستمی دانشگاه و ضعف ارتباطات دانشجویان عمدتاً تحقق این امر را دچار مشکل می‌نماید. علاوه بر این مشکلات زیرساختی در دسترسی دانشجویان به پایگاه‌های اطلاعات علمی و مسائل ارتباطی استادان با یکدیگر نیز مشکلات اجرای پژوهش را دوچندان می‌کند. این مقوله از چند مفهوم شکل گرفته است که به بررسی هر یک پرداخته‌ایم.

مفهوم اول عبارت است از «انجام پژوهش دارای ارزش علمی و کاربردی». این مفهوم بیانگر این نکته است که عموماً وقتی دانشجو در پی انجام پژوهش مفید می‌باشد، با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود که لزوماً حل آن‌ها زمان زیادی را می‌طلبد. برای شفاف شدن این موضوع به گفته دانشجوی ۱ اشاره می‌شود که تأکید داشت "قطعاً یکی از دلایلی هم که واقعاً خیلی تأثیر گذاشت همین بود که من نمی‌خواستم یک کار ضعیف ارائه بدهم، می‌خواستم منابع خوب استفاده کنم و خوب همه‌چیز طرح‌ریزی شود". دانشجوی شماره ۳ گفت "کیفیت پایان‌نامه و رساله از عوامل مؤثر برافزایش طول سنوات دانشجویان است و برای من بسیار مهم است". دانشجوی شماره ۲۳ تأکید کرد "بالاخره هرقدر وسواس بیشتر و دقت بیشتری داشته باشید و بخواهید حتی الامکان بی‌نقص باشد بیشتر زمان نیاز دارد".

مفهوم بعدی در این مفهوم، مقوله «ضعف در دسترسی به پایگاه‌های اطلاعات علمی» است که سبب ایجاد مشکلاتی در تحریر پایان‌نامه می‌شود و زمان اتمام آن را به تعویق می‌اندازد. دانشجوی شماره ۲ بیان کرد "منابع بسیار محدود است و کتاب‌های زبان اصلی کتابخانه خیلی قدیمی است". استاد شماره ۵ بیان کرد «مشکل دسترسی به منابع لاتین و معتبر و هزینه‌های استفاده از منابع علمی، ترجمه مطلوب، پیدا کردن مطلعان و وقت گرفتن برای مصاحبه‌ها، عدم همکاری نهادهای دولتی و امتناع از ارائه شفاف اطلاعات، عدم وجود آمار صحیح، اتلاف وقت و انرژی همه اینها خیلی میتونه کار رو به تعویق بندازه". دانشجوی شماره ۳ نیز بیان کرد "کمبود منابع، به‌ویژه منابع جدید و این که بسیاری از منابع به زبان اصلی است (انگلیسی، آلمانی و فرانسه) یه مشکل اصلی تو نوشتن پایان‌نامه هست".

سومین مفهوم در این مفهوم "لینک شدن با سازمان‌ها و دریافت حمایت از پایان‌نامه" که سبب تأخیر در پیش برد پایان‌نامه می‌شود. استاد شماره ۸ بیان کردند "یک‌درصدی را تصور کنید که واقعاً طرف یک پروژه‌ای را با استادش با یک سازمانی تعریف کرده، خب پروژه را نمیشه زود تمام کنی. او لا طرف دو سال طول کشیده تا آن قرارداد بسته شده آن کار شروع شده دانشجوی رسیده به ترم ۸ تازه رفته توی صنعت یا سازمان خاصی کار را شروع کرده، سه سال هم باید بره و بیاد خب این کسی که داره کار می‌کنه و با یک قراردادی مرتبطه نمی‌تونه به این زودی کار رو ببندد و تموم کنه".

مفهوم دیگر این مفهوم «عدم توافق اساتید با همدیگر» است که خصوصاً بین اساتید راهنما و مشاور به وجود می‌آید و سبب توقف روند پیش برد پایان‌نامه می‌شود. دانشجوی شماره ۱۲ اشاره کرد "استاد من میگه این نه، هرچی که من میگم درست. من بین دو تا استاد گیر می‌کنم باهم دیگه به توافق نمی‌رسن". دانشجوی شماره ۱۴ بیان کرد "استاد راهنما مشکل نداره ولی الان بحث مشاور هست. مشاور بعضاً نظراتی می‌دهد که مورد قبول راهنما نیست".

مسئله‌مند نبودن دوره‌های آموزشی

ارتباط پژوهش و آموزش بر هیچ‌کس پوشیده نیست. شناسایی مسئله پژوهش توسط دانشجو در خلال تعاملات درسی دانشجو و استاد و در طی دوران گذراندن واحدهای درسی شکل می‌گیرد. هرچه برنامه‌های درسی مبتنی بر نیازهای جامعه و به‌صورت هدفمند ارائه شوند و بتوانند موجب خلاقیت دانشجو در شناسایی و کشف مسائل شوند پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نیز می‌توانند کاربردی و مثمر ثمر باشند. مقوله «مسئله‌مند نبودن دوره‌های آموزشی» در همین راستا تعریف شده است که دربردارنده ۲ مقوله می‌باشد. اولین مفهوم عبارت است از "کلاس‌های نظری فشرده و غیرکاربردی". برای توضیح بیشتر این مقوله به گفته دانشجوی شماره ۷ اشاره می‌شود که گفت "ارشدم تموم شد فارغ‌التحصیل شدم از آمار و روش تحقیق هیچی بلد نبودم". دانشجوی شماره ۱ اشاره کرد "ما خیلی چیزها را می‌دانستیم واحدها را گذرانده بودیم و دلمان نمی‌خواست همان تکراری‌ها را بشنویم". دانشجوی شماره ۱۸ گفت "واحدهای درسی خیلی پایان‌نامه محور نبود یعنی دغدغه ایجاد نمی‌شد بخصوص درس روش تحقیق".

دیگر مفهوم این مفهوم «پژوهش‌ها و تحقیق‌های کلاسی غیرهدفمند» است. منظور نظر از این مفهوم شامل تحقیق‌های کلاسی دانشجو است که چند ترم وقت او را به خود اختصاص می‌دهد بدون اینکه درنهایت به پایان‌نامه او کمکی کرده باشد. استاد شماره ۱۰ با مهم شمردن این مفهوم بیان کرد "دانشجو‌ها تو پایان‌نامه ضعف دارن و بد عمل می‌کنن. یه دلیلش روش تحقیقه، یه دلیلش هدفمند نبودن مطالعات، مقاله‌هایی که در طول تحصیلشون کار کردن". دانشجوی شماره ۶ گفت "این‌قدر حجم درسامون زیاد بود

یعنی برای هر درسی یکی دو تا سه تا مقاله باید می‌دادیم، کنفرانس باید می‌دادیم میان‌ترم پایان‌ترم پشت سر هم که اصلاً مجال این نبود که تا آخر ترم ۳ حتی به پروپوزال فکر کنن بچه‌ها".

ضعف علمی دانشجویان

عدم اشراف دانشجویان به محتواها و ساختار مباحث درسی باعث می‌شود که دانشجو نتواند نظام مسائل را به خوبی شناسایی و ارتباط آن‌ها را درک نماید. در این بین دانشجویانی که از رشته‌ها و گرایش‌های دیگر وارد رشته جدید در مقاطع تحصیلات تکمیلی می‌شوند دچار مسائل و مشکلات متعددی هستند و این موجب سردرگمی و ضعف در شناسایی مسئله و موضوع پژوهش می‌شود و نهایتاً طولانی شدن طول دوره تحصیل را به دنبال خواهد دارد. این مقوله از ۲ مفهوم شکل گرفته که به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

مفهوم بعدی «**ضعف علمی دانشجویان تغییر رشته‌ای**» است. بر اساس این مفهوم، افراد تغییر رشته‌ای در دوره ارشد دچار مشکلاتی در مفاهیم ابتدایی و پایه‌ای هستند و برای نوشتن پایان‌نامه دچار مشکلات بیشتری خواهند شد. دانشجوی شماره ۱۹ که تغییر رشته داده است بیان کرد "یه مقداری رفت و برگشت من زیاد شد. یه واقعیتی وجود داره چون من رشته لیسانس همین رشته نبود برای اینکه بخوام پایان ناممو انتخاب کنم، چند بار سرغ چند شاخه رفتم".

مفهوم دیگر عبارت است از «**پایه ضعیف علمی دانشجویان**». این مفهوم بیانگر ضعف علمی دانشجو است که مانع پیشبرد صحیح فعالیت‌های دانشگاهی و پژوهشی او می‌شود. در واقع از دانشجوی ارشد و دکتری انتظاراتی وجود دارد که وی بتواند روند علمی و دانشگاهی خود را به‌پیماید ولی خیلی از مواقع این انتظارات به دلیل ضعف دانشجو محقق نمی‌شود. دانشجوی شماره ۷ بیان کرد "ما باید پایه‌های آماری بسیار قوی داشته باشیم من تو بحث آمار خیلی ضعیف بودم، بچه‌های ما خیلی ضعیف بودن". دانشجوی شماره ۱۲ بیان کرد "بچه‌های دکترای ما هم اطلاعات کافی متأسفانه نداشتن و نمیتونستند یه نمودار ساده رو هم تحلیل بکنن". استاد شماره ۱۰ اشاره کرد "وقتی دانشجو به رساله میرسه باید به روش تحقیق کیفی مسلط باشه استاد یک راهنمایی میکنه میگه این مدل‌ها رو بخون چون آن‌ها در واقع سوابق قبلی ندارن بنابراین احساس می‌کنن به یک بن‌بستی رسیدن".

ضعف فرایندها و سیستم آموزشی

مقوله بعدی بسیار مؤثر که مورد تأکید دانشجویان و اساتید قرار گرفت «**ضعف فرایندها و سیستم آموزشی**» است. منظور از این مفهوم در واقع نشان‌دهنده سیستم اداری و آموزشی ایراد دار هست که در اصل باهدف بهبود وضعیت آموزشی و روند اداری دانشگاه ایجاد شده است ولی آنچه در عمل مشاهده می‌شود این است که در بسیاری از موارد سبب ایجاد اختلال در روند دانشگاهی می‌شود و مشکلاتی را ایجاد می‌کند. این مقوله دربردارنده ۵ مفهوم می‌باشد.

یکی از مفاهیم «**آزمون جامع و الزامات آن**» است. این مفهوم بیانگر نقش تعیین‌کننده قبولی از آزمون جامع برای تداوم مسیر می‌باشد. در واقع آزمون جامع در اکثر مواقع به‌عنوان سرعت‌گیر دانشجویان عمل می‌کند که ممکن است چندین ترم مانع پیشبرد فعالیت‌های پژوهشی آنان شود. دانشجوی شماره ۱۴ بیان کرد "یکی از بحث‌های ما، بحث امتحان جامع بود، امتحان جامع یک مقدار با دید سخت‌گیرانه بود عملاً این امتحان یک سال و نیم دغدغه چندترم ما بود". مسئله دیگر لزوم داشتن نمره زبان برای آزمون جامع است. برای توضیح اهمیت همین مقوله به گفته دانشجوی شماره ۱۲ بیان کرد "باید نمره قبولی زبان بیاری بری آزمون جامع بدی، من خودم تجربه کردم دوستانم دیدن مثلاً یه سال افتادم عقب به خاطر اینکه نمره زبان ارائه نداد".

دومین مفهوم این مفهوم « الزام کسب پذیرش مقاله برای دفاع » است. در توضیح این مفهوم به گفته دانشجوی شماره ۱۷ اشاره می‌شود که گفت " الان در حال دفاع هستیم بله یک سال که پروپوزال آماده شده و من درگیر ارائه مقاله، مشکل اصلی اینه که هنوز نتونستیم دفاع بکنیم و خوردیم به سنوات ". دانشجوی شماره ۱۶ بیان کرد " به نظر من تنها چیزی که باعث میشه که برنامه‌های دانشگاه به‌درستی انجام نشه همین موضوع مقاله است ". دانشجوی شماره ۱۴ تأکید کرد " اولین دغدغه ما مقاله است آن‌طور که مصوب کرده شورای دانشکده که باید حداقل دو پذیرش داشته باشیم این پروسه این‌قدر طول کشید و چون دست ما نیست، هیچ کاری هم نمی‌تونیم بکنیم جز اینکه همش سنوات بخوریم ". استاد شماره ۲ تأکید کرد " یه بحث مهم چاپ مقاله است؛ یک مشکلی که ما بارها به آنان گفتیم بحث مقالات است چون تعداد مجلات هم کافی نیست ". استاد شماره ۱۰ تأکید کرد " کدوم دانشجویی که خارج از کشور دفاع کرده مقاله مستخرج از تز چاپ کرده؟ اونا ندارن، فقط داخل داریم ".

سومین مفهوم « فرایند تصویب پروپوزال (طرح نامه) » است. در ساختار دانشگاه تصویب پروپوزال (طرح نامه) یکی از مهم‌ترین فرایندهای اجرای پایان‌نامه و رساله است چراکه نقشه راه دانشجوی در این پروپوزال ترسیم می‌شود. به همین جهت مراحل متعددی از جمله بحث و بررسی موضوع و پروپوزال در گروه‌های آموزشی و سپس تصویب در شورای دانشکده برای آن پیش‌بینی شده است. در بعضی موارد تعدد پروپوزال‌ها و مشکلات ناشی از خطای انسانی کارشناسان آموزشی و کمبود امکانات باعث وقفه در اجرای سریع این فرایند مهم می‌شود. دانشجوی شماره ۲۰ در این باره گفت " سر تصویب پروپوزال آخر سر هم رد کردند، خب همین جلسه برگزار کردن‌ها کلی وقت گرفت ". دانشجوی شماره ۲ بیان کرد " خود پروپوزال در رشته ما خیلی زمان‌بر هست و یک مقوله مفصلی هست، این‌طوری نیست یک طرح پیشنهادی ۲-۳ صفحه‌ای یا ۱۰ صفحه‌ای باشه و کل ۳ فصل اول را دربردارد ". استاد شماره ۵ بیان کرد " یک قسمت هم برمی‌گردد به دانشکده، یعنی فرایندی که گذاشتند بارها در جلسات هم گفتیم آخر چه ضرورتی دارد؟ شانزده نفر هستند بحث مورد محتوایی هم می‌کنند کسانی که تخصصی نیستند ". استاد شماره ۸ تأکید داشت " با توجه به اینکه دانشجوی دکتری گروه‌ها زیاد هست، سیستمی که وجود دارد برای بررسی یک فرایند بسیار بسیار کند است ".

چهارمین مفهوم عبارتست از « فرایند اداری معیوب و ضعف کارشناسان ». در توضیح این مفهوم به بیانات دانشجویان اشاره می‌شود. دانشجوی شماره ۲۰ تأکید کرد " دانشگاه بروکراسی که دارد واقعاً اذیت می‌کند، یک مشکلی که من داشتم تمدید سنوات را من می‌دادم اینجا سه ماه زمان طول می‌کشید تا جوابش بیاید ". دانشجوی شماره ۱۸ اشاره کردند " من دی ماه اومده بودم درخواست سنوات رو انجام داده بودم، اردیبهشت به من گفتن تأیید شد. این روند طول کشیدن اهدای سنوات خیلی تأثیرگذار بالاخره یک جور بلاتکلیفی هست ". نکته بعدی ارائه اطلاعات غلط و راهنمایی ناقص کارشناسان آموزش و سهل‌انگاری در انجام امور می‌باشد. دانشجوی شماره ۱۹ اشاره کرد " دانشجو را خیلی از طرف آموزش خوب هدایت نمی‌کنند. دانشجو خودش و خودش مگه اینکه مشکلی پیش بیاد ". دانشجوی شماره ۲۲ اشاره کرد " علت این‌که پروپوزال دیر هم تصویب شد یکی این‌که دو ماهی گم‌شده بود اصلاً چند بار ولی من تماس گرفتم گفتند که هنوز برنگشته ".

دیگر مفهوم مرتبط با این مفهوم « عدم تناسب امکانات با تعداد دانشجویان » است که باعث بروز مشکل شده است. استاد شماره ۱۰ عقیده داشت " دانشگاه دوست دارد که تعداد دانشجویان دوره دکتری و ارشدش زیاد باشد بنابراین حجم بیش‌ازحد دانشجو دوره دکتری و فوق‌لیسانس هم یک عامل دیگر است که استاد نتواند پیگیری بکند ". استاد شماره ۵ پیشنهاد داد " اگر مسائل مالی و رقابت‌های کاذب در تحصیلات تکمیلی نبود و هم اختیار را می‌دادند دست گروه‌ها ما خودمان می‌توانستیم خیلی کارها بکنیم تعداد دانشجو را به خاطر درآمدزایی زیاد کرده‌اند بدون افزایش امکانات ". دانشجویان اعتقاد داشتند یکی از علل مؤثر در افزایش سنوات ظرفیت بیش‌ازحد پذیرش دانشجو است چون امکانات و تعداد متناسب هم نیستند به همین دلیل پیشنهاد داده شد

تا ظرفیت پذیرش دانشجو کاهش یابد. دانشجوی ۷ پیشنهاد داد «پذیرش دانشجو در هر سه مقطع کاهش یابد و حتی یک سال در میان دانشجوی دکتری پذیرش شود».

پیامدهای افزایش سنوات دانشجویان

افزایش سنوات از نگاه استادان و دانشجویان پیامدهایی دارد که در ۳ مقوله دسته‌بندی شده‌اند که در جدول ۴ می‌توان ملاحظه نمود.

جدول شماره ۴- جدول مقولات پیامدهای افزایش سنوات

مقوله‌ها	
افزایش خرید پایان‌نامه یا مقاله و رواج بی‌سوادی	پیامدهای افزایش سنوات
افزایش فشارهای روحی و جسمی	
دل‌زده کردن دانشجو و اخراج یا انصراف از تحصیل	
تحمیل هزینه‌های اضافی به دانشگاه (هزینه خوابگاه، غذا، امکانات ورزشی و رفاهی و ...)	

یکی از پیامدهای این اتفاق «افزایش خرید پایان‌نامه یا مقاله و رواج بی‌سوادی» است که دانشگاه و اساتید ناخواسته دانشجویان را به آن سوق می‌دهند. دانشجوی شماره ۷ بر اساس مشاهداتش بیان کرد " ۲ نفر از هم‌کلاسی هام پایان‌نامه رو دادن بیرون و یکیشون سر ترم ۴ دفاع کرد و تموم شد یکی دیگه ترم ۵ دفاع کرد و تموم شد ". همچنین دانشجوی شماره ۱۰ بیان کرد "من الان ۴۳ سالم هست فعلاً انگیزه ندارم مطالعه می‌کنم ولی نه در حوزه درسی مطالعه‌ی من در حوزه مطالعه آزاد. ولی ای کاش من همون موقع کسی را پیدا می‌کردم برام با یه هزینه پایین جمع‌وجورش می‌کردم". دانشجوی شماره ۲۳ بیان کرد "خیلی‌ها پایان‌نامه را می‌دهند بیرون، من از کلاس خودمان یکی دو نفر دادند بیرون و خیلی هم به من گفتند بده بیرون".

دیگر پیامد مورد اشاره دانشجویان «افزایش فشارهای روحی و جسمی» بود، به طوری که شاید زندگی فردی و خانوادگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. دانشجوی شماره ۷ تأکید کرد "به مرز مرض قند رسیدم یعنی انقدر که حرص خوردم فقط ناراحتی‌ای که دارم این بود که واقعاً به خانواده‌ام هم نمی‌رسیدم ". دانشجوی شماره ۸ نیز که تجربه مشابهی داشت بیان کرد "با فشارهایی که داشتم و بهم تحمیل شده بود دکتر گفت تو این نشونه‌هایی که میگی به کار نمی‌تونی بچسبی و این‌ها نشونه افسرده خوییه و با توجه به شرایطی که داری شما نباید به سمت چیزایی که به شما استرس وارد می‌کند بروید".

پیامد دیگر افزایش سنوات «دل‌زده کردن دانشجو و اخراج یا انصراف از تحصیل» است. دانشجوی شماره ۱۲ اشاره کرد "یازده نفر بودیم فقط سه نفر چهار نفر داریم پیگیری می‌کنیم بقیه اصلاً پیگیری نکردن این‌جور که معلومه می‌دونن اخراج میشن چی میشن نمی‌دونم خبر ندارم ". دانشجوی شماره ۱۳ نیز تأکید کرد " من اگر برگردم حتماً میرم آموزش محور میشم که دیگه اصلاً پایان‌نامه نداشته باشم، چون هیچ احساس کارآمدی ندارد ". دانشجوی شماره ۲۳ بیان کرد " من تا حالا ندیدم کسی مثلاً از پایان‌نامهش اگر خودش کارایی داشت استفاده‌ای کنه حداقل در رشته علوم انسانی حالا باز رشته‌های فنی و مهندسی خیلی متفاوت ". استاد

شماره ۸ بیان کرد " اینجا یک جعبه سیاه وجود داره که دانشجو وقتی از دانشگاه درس فاصله میگیره چرا دیگه انگیزه استمرار مجدد کارش رو مثل اول نداره".

و آنچه بعد از همه این فشارها و تنش‌ها سراغ دانشجو می‌آید «بیکاری و عقب افتادن از مسیر زندگی» است به طوری که دانشجوی شماره ۲۰ تأکید کرد "من تنها کسی بودم که درس خواندم برادرهایم همه رفتند کار کردند الان از من خیلی موفق تر هستند" هم چنین استاد شماره ۱۰ تأکید داشت "نبود کار و چشم انداز روشن کاری علت تأخیر در دفاع است. یعنی خیلیاشون به من این طور گفتن. گفتن ما به موقع درس رو تموم نمی‌کنیم کسی نمی‌تونه به ما بگه تو بیکاری. می‌گیم دانشجوییم همین که کلاس کار بالاتره. وقتی بهت می‌گن می‌گه من دانشجویام یعنی وظیفه خاصی ندارم اما وقتی فارغ التحصیل بشم می‌گن تو آدم بیکاری چرا کار پیدا نکردی می‌گن برامون افت داره حالا سعی می‌کنیم همیشه اون شرایط دانشجو بودن رو تا حد امکان حفظ کنیم که کسی نتونه از ما ایرادی بگیره چرا کار نداری چرا کار پیدا نکردی؟". آخرین پیامد افزایش سنوات که برا دانشگاه می‌توان متصور شد «تحمیل هزینه‌های اضافی به دانشگاه (هزینه خوابگاه، غذا، امکانات ورزشی و رفاهی و ...)» است. استاد شماره ۹ در این باره گفت " ۱۷، ۱۸ هزارتا دانشجو داریم که نصفش میشه کارشناسی، نصفش میشه ارشد و دکترا از آن نصفه نزدیک ۲۰۰۰ تا سنواتی است. این به معنی این است که کلی هزینه اضافی خرج رفع مشکلات و نیازهای این دانشجویان می‌شود درحالی که می‌توان آن مقدار بودجه را صرف بالا بردن امکانات دانشجویان نمود".

پیشنهاد‌های بهبود وضعیت دانشجویان سنواتی

برای بهبود وضعیت دانشجویان سنواتی و کاهش پیامدهای منفی افزایش سنوات، از افراد مصاحبه‌شونده (دانشجویان و اساتید) در این باره سؤال شد و پاسخ‌گویان پیشنهادهایی ارائه دادند که شامل ۴ مفهوم بود که هر یک از این مفاهیم می‌توانند راهبردهای سیاستی برای بهبود وضعیت تطویل سنوات دانشجویان تحصیلات تکمیلی باشد و ابعاد گوناگونی را ارائه می‌دهد که در جدول ۵ قابل ملاحظه است.^۱

جدول شماره ۵- جدول پیشنهاد‌های بهبود وضعیت دانشجویان سنواتی

مقولات	مفاهیم
ارتقا کیفی واحدهای درسی و همسویی با پایان‌نامه/ رساله	سوق دادن دانشجو به سمت تحقیق‌های کلاسی مفید و دانش افزا
	ارائه دروس یا کارگاه‌های آموزشی مهارتی برای نگارش پایان‌نامه و رساله
	استانداردسازی فعالیت‌های کلاسی
	همسویی واحدهای نظری، فعالیت‌های کلاسی با پایان‌نامه
بهبود فرآیند آموزشی و علمی	استانداردسازی ارزیابی فعالیت‌های کلاسی
	به‌روزرسانی پایگاه‌های اطلاعاتی و منابع علمی
	قرار دادن معادل‌هایی بجای آزمون جامع یا تغییر آن
	اطلاع‌رسانی به دانشجویان درباره مصوبات، روند و قوانین دفاع و سنوات
	ایجاد سیستم قانونی برای ملزم کردن استاد و دانشجو برای انجام به‌موقع وظایفشان و تعامل سازنده
	کم کردن قدرت نفوذ شورا در موارد تخصصی و علمی پایان‌نامه/رساله
	افزایش تعداد سنوات رایگان تحصیلی دوره ارشد و دکتری برای پایان‌نامه‌های خلاقانه و نوآورانه
بهبود فرایندهای تحصیل دانشجویان با مشارکت ایشان	

^۱ با توجه به حجم بالای مطالب در این بخش محقق تفسیر از مفاهیم را ارائه نموده و از ذکر گزاره‌ها مطرح شده توسط مشارکت کنندگان پژوهش صرف نظر شده است.

ارتقاء سطح مهارت و دانش اساتید در هدایت حرفه‌ای رساله/پایان‌نامه‌ها	تسهیل روند انجام رساله /پایان‌نامه
بازنگری در روند ورود دانشجو به مقاطع تحصیلات تکمیلی و متناسب با امکانات و خلاقیت‌ها	
شروع روند کار پایان‌نامه/ رساله با شروع تحصیل	
سهل‌گیری در روند تصویب و تأیید پایان‌نامه	
آگاه‌سازی دانشجویان درباره پایان‌نامه و اهمیت آن	
جلب حمایت اقتصادی برای انجام پایان‌نامه از سوی نهادها	
تجدیدنظر در الزام به چاپ مقاله به‌عنوان یکی از فرایندهای پایان‌نامه / رساله	

چنانچه با نگاهی سیستمی به پدیده‌های دانشگاه نگاه کنیم مسائل و مشکلات ناشی اجرای پروژه‌های پژوهشی دانشجویان در قالب پایان‌نامه و رساله را باید در یک یا چند مرحله قبل مورد بررسی قرار داد. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای بهبود وضعیت پژوهش دانشجویان ارتقا کیفی واحدهای درسی و همسویی با پایان‌نامه /رساله است. این مفهوم پیشنهادهایی را دربردارد که در راستای بالا بردن کیفیت واحدهای درسی می‌باشد و سعی در همسویی واحدهای درسی با پایان‌نامه است و شامل ۵ بعد می‌باشد. سوق دادن دانشجو به سمت تحقیق‌های کلاسی مفید و دانش افزا، ارائه دروس یا کارگاه‌های آموزشی مهارتی برای نگارش پایان‌نامه و رساله، درخواست فعالیت‌های کلاسی معقول و متناسب، همسویی واحدهای نظری، فعالیت‌های کلاسی با پایان‌نامه و رساله و استانداردسازی ارزیابی فعالیت‌های کلاسی از آن جمله هستند. مسئله دیگر بهبود فرآیند آموزشی و علمی است که خود در بردارنده مفاهیم و جهت‌گیری‌های متعددی است. به‌روزرسانی پایگاه‌های اطلاعاتی و منابع علمی و اطلاع‌رسانی به دانشجویان درباره مصوبات، روند و قوانین دفاع و سنوات نیز دیگر راهکار بهبود است. بدین معنی که برخی از دانشجویان عقیده داشتند که بی‌اطلاعی دانشجویان از قوانین و مصوبات دانشگاهی و آموزشی سبب می‌شود که او ندانسته به مشکل سنوات دچار شود. ایجاد سیستم قانونی برای ملزم کردن استاد و دانشجو برای انجام به‌موقع وظایفشان و تسهیل روند تحصیلی دانشجو با مشارکت دانشجویان و کسب نظر و دیدگاه آن‌ها از طریق برگزاری جلساتی درباره مشکلات دانشجویان و رفع آن‌ها، افزایش تعامل و همکاری اساتید و دانشجویان، که از رهگذر بهره‌مندی از سیستم‌های نوین تکنولوژیکی میسر است از دیگر راهکارهای این تحول است. کم کردن قدرت نفوذ شورا در موارد تخصصی و علمی پایان‌نامه به‌گونه‌ای که کمیته‌های تخصصی راهبری مسئولیت تأیید نهایی هر یک از فرایندهای نگارش پژوهش دانشجویان را عهده‌دار باشند. اصلاح و تعدیل قوانین و مقررات به‌گونه‌ای که از دانشجویان مستعد و خلاق حمایت نماید و چنانچه می‌خواهند پروژه‌ای پژوهشی جدید اجرا نمایند دغدغه سنوات تحصیلی را نداشته باشند که می‌تواند با افزایش تعداد سنوات رایگان تحصیلی دوره ارشد و دکتری برای پایان‌نامه‌های خلاقانه و نوآورانه محقق شود. ارتقاء سطح مهارت و دانش اساتید در هدایت حرفه‌ای رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها از مسائلی بود که مورد تأکید اکثریت استادان و متخصصین مشارکت‌کننده در این پژوهش بود. آخرین مقوله که بسیار مورد تأکید اساتید قرار داشت عبارت است از بازنگری در روند ورود دانشجو به مقاطع تحصیلات تکمیلی موضوعی که با همان رویکرد سیستمی خود عامل جدی در بالا بردن بار ترافیک کاری استادان که نتیجه آن افت کیفیت کاری ایشان است.

مفهوم بعدی پیشنهادشده عبارت است از تسهیل روند انجام پایان‌نامه/ رساله که در بردارنده ۵ جنبه است. اولین مقوله که مربوط به این مفهوم است عبارت است از «شروع روند کار از ترم‌های اول ورود به دانشگاه به‌طوری‌که دانشجو جهت‌گیری کلی کار خود را شناسایی نموده و در ادامه راه کلیه پژوهش کلاسی خود و مطالعات جانبی خود را متوجه موضوع پایان‌نامه/ رساله می‌نماید. البته لازم به ذکر است که برای دانشجویان کارشناسی ارشد این موضوع به نیمسال سوم به بعد موکول می‌شود و بیشتر برای دانشجویان دکتری مصداق دارد. البته می‌توان در خصوص پایان‌نامه‌های دانشجویی رویکرد سهل‌گیری در روند پایان‌نامه و تحریر آن باهدف یادگیری دنبال شود و دانشجویان درباره پایان‌نامه و اهمیت آن آگاه شوند. ایجاد سازوکارها و شبکه ارتباطی با سازمان‌ها و نهادهای بیرونی برای جلب حمایت اقتصادی برای انجام پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها از سوی نهادها به‌گونه‌ای که بتواند ضمن جهت دادن کاربردی

به موضوعات، مشکلات اقتصادی مرتبط با پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را نیز تسهیل نماید. مسئله دیگر لزوم انتشار یا پذیرش مقاله پیش از دفاع دانشجویان دکتری است. موضوعی که فارغ از اینکه آیا این موضوع می‌تواند شاخصی برای کسب کیفیت باشد یا خیر بسیار زمان‌بر و از مهم‌ترین عوامل تطویل سنوات دانشجویان به حساب می‌آید. تغییر زمان تحویل مقاله از زمان دفاع به زمان تسویه حساب یکی از سازوکارهای پیشنهادی استادان و دانشجویان است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش در راستای انجام مطالعه اکتشافی که زمانمند و مکان مند (در برهه زمانی خاصی و مربوط به دانشگاه علامه) باشد با ۳۳ نفر از مطلعین کلیدی مصاحبه عمیق انجام گرفت که ۱۱ نفر از ۳۳ نفر را اساتید دانشگاه علامه تشکیل می‌دادند که این افراد از نزدیک با مشکلات دانشجویان سنواتی درگیر بودند و می‌توانستند به شفافیت موضوع کمک کنند. ۲۲ نفر باقیمانده را نیز دانشجویان سنواتی تشکیل دادند که از تجربیات آن‌ها و علل مؤثر برافزایش سنوات سؤال شد. همچنین پرونده‌های کمیسیون موارد خاص دانشگاه طی ۲ سال و ۲۳ درخواست دانشجوی متقاضی سنوات طبق فرم طراحی شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند تا علل تطویل سنوات در درخواست‌های رسمی دانشجویان نیز مورد بررسی قرار گیرند.

مشارکت‌کنندگان دانشجویان، از رشته‌های مختلف و مدیران گروه‌ها و معاونین آموزشی از دانشکده‌های مختلف بودند که مصاحبه شدند تا علل مؤثر در افزایش سنوات در گروه‌های علمی مختلف دانشگاه به دست آید. علل به‌دست‌آمده برای شفافیت بیشتر به دو گروه کلی علل درون سیستمی و علل برون سیستمی تقسیم‌بندی شدند مؤثر بر افزایش سنوات اشاره خواهد شد.

علل برون سیستمی که بر افزایش سنوات اثر داشتند به عواملی تأکید کردند که منشأ دانشگاهی ندارند و خارج از نظام آموزشی و علمی و مجزا از دانشگاه هستند ولی با تأثیر بر دانشجو بر روند عملکرد دانشگاه تأثیر می‌گذارند و به سه دسته عوامل اقتصادی-اجتماعی، فردی-خانوادگی و دغدغه‌های علمی فرادانشگاهی تقسیم می‌شوند. عوامل اقتصادی و اجتماعی اشاره به عدم حمایت جامعه از دانشجو است به عبارتی حمایتی از افراد باسواد صورت نمی‌گیرد و دانشجو به این نتیجه می‌رسد که با تلاش و کسب علم، آینده مناسبی منتظر او نیست و همین امر سبب دلسردی و از بین رفتن انگیزه تلاش در بین دانشجویان شده است. نکته دیگر عدم کارایی رشته‌های دانشگاهی در بازار کار است. عدم حمایت از فارغ‌التحصیلان رشته‌های دانشگاهی و بیکاری که انتظار آنان را می‌کشد سبب می‌شود تا دانشجویان رغبتی به افزایش تلاش و اتمام دوره تحصیلی خود نداشته باشند، زیرا یکی از اهداف مهم دانشجویان از ادامه تحصیل، تضمین آینده شغلی خود می‌باشد و وقتی از یک‌سو هیچ آینده‌ای را نتوانند تصور کنند و از سوی دیگر شاهد هجوم خیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که به دنبال کسب شغل هستند باشند انگیزه آنان از بین خواهد رفت و روند تحصیل آنان کند خواهد شد. علاوه بر این دانشجویان در این بازه سنی اغلب دارای مسئولیت اقتصادی هستند و همین عامل از یک‌سو و فراهم نبودن بستر فعالیت و کسب درآمد از سوی دیگر سبب می‌شود تا دانشجو در قبال ادامه تحصیل و اتمام به‌موقع واحدهای دانشگاه انگیزه کافی نداشته باشد و سعی کند تا رفع نیازهای مالی زندگی و امرار معاش را در اولویت خود قرار دهد. لذا کسب شغل یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر روند تحصیل دانشجو می‌باشد زیرا اعتقاد بسیاری از دانشجویان بر این بود که کسب شغل مهم‌تر و دشوارتر از ادامه تحصیل است، بنابراین برخی از دانشجویان بنا به شرایط اولویت را بر کسب شغل و درآمد می‌گذارند.

تمرکز بر کسب درآمد و به دست آوردن شغل طبیعتاً مانع تمرکز بر فعالیت علمی می‌شود، این در حالی است که اکثر دانشجویان این دانشگاه از لحاظ علمی دارای قابلیت فراوان و استعداد زیادی می‌باشند ولی نداشتن فرصت کافی و نبود آینده روشن مالی و شغلی سبب از بین رفتن استعداد این دانشجویان می‌شود که اگر به‌درستی به ثمر نشیند قطعاً خواهد توانست آینده درخشانی را برای کشور رقم زند و این یافته همسو با تئوری نیازهای مازلو می‌باشد که عقیده دارد تا نیازهای اولیه بشر (نیاز مسکن، غذا و لباس) فراهم نشود امکان پیگیری نیازهای متعالی‌تر (ادامه تحصیل و کسب علم) فراهم نخواهد شد. بدیهی است این مسئله ریشه در ساختار معیوب

نظام آموزش عالی کشور دارد که عملاً ارتباط سیستماتیک با نظام اقتصادی نداشته و دوره‌های تحصیلی به‌ویژه تحصیلات تکمیلی بدون توجه به وجود زیرساخت‌های لازم توسعه پیدا کرده است. در حالی که در دانشگاه‌های پیشرفته دنیا توسعه تحصیلات تکمیلی در کنار توسعه صنعتی و اقتصادی انجام می‌شود و پذیرش دانشجو و به‌تبع آن اجرای پایان‌نامه یا رساله مبتنی بر نیاز بخش‌های صنعتی و اقتصادی است.

«علل فردی و خانوادگی» که به‌عنوان دسته دوم از علل برون سیستمی مطرح شد بیانگر درگیر شدن دانشجو در حین تحصیل با پاره‌ای عوامل شخصی و خانوادگی است که به دلیل اهمیت، مانع اتمام به‌موقع و حتی اثربخش دوره تحصیلشان می‌شود. بیماری خود، خانواده و نزدیکان، سردرگمی و سهل‌انگاری، زندگی مشترک و مسائل مختلف آن و دوری از خانواده به‌عنوان مسائلی است که می‌تواند گریبان گیر تمام افراد شود و به‌عنوان مانعی بر روند تحصیل دانشجو قرار می‌گیرد. تمرکز بر روند درمان بیماری و انجام مراقبت‌های لازم به‌عنوان مانع تمرکز بر دانشگاه و پایان‌نامه دانشجویان محسوب می‌شود که البته این عامل نه قابل پیش‌بینی و نه قابل کنترل می‌باشد ولی بر روند تحصیلی دانشجو تأثیر خواهد داشت.

به عبارتی این مسائل خودبه‌خود مسئولیت‌هایی را برای فرد ایجاد می‌کند که در کلان زندگی فرد اولویت بیشتری نسبت به ادامه تحصیل دارد و توجه به آن‌ها سبب دوری از دانشگاه و درس می‌شوند. دانشجویان پسر در کنار این مسائل چون پس از اتمام تحصیل می‌بایست به خدمت نظام‌وظیفه بپردازند و این امر برای فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد و دکتری مطلوب نیست با تعویق اتمام تحصیل سعی در تعویق انداختن این موضوع می‌پردازند که شاید فرصت یا موقعیتی برای گذراندن این دوره بر گونه‌ای دیگر برای آن‌ها فراهم شود.

در کنار علل برون سیستمی مؤثر بر افزایش سنوات، علل و عوامل گوناگونی وجود دارند که متأثر از ضعف و اختلال در درون سیستم آموزشی و دانشگاهی می‌باشد و در نتیجه بر کارکرد همین بخش نیز تأثیرگذار خواهد بود. ویژگی این علل این است که می‌توان با اتخاذ برخی سیاست‌ها بخشی از این عوامل را کنترل نمود.

رفتار غیرحرفه‌ای استادان، دغدغه‌های فرادانشگاهی، مشکلات نگارش پایان‌نامه و رساله، مسأله‌مند نبودن دوره‌های آموزشی و ضعف علمی دانشجویان و ضعف فرایندها و سیستم آموزشی از این دسته عوامل هستند. سختگیری‌های غیرضروری و وسواس گونه استادان که سبب می‌شود تا فرایند کار ماه‌ها به عقب بیفتد و حتی دانشجو تا مرز اخراج پیش برود و یا حتی دانشجو از فرایند طولانی کار خسته شود و کار را رها کند و در کنار این نتیجه، ضعف ارتباط اساتید با دانشگاه و دانشجو از یک‌سو و حضور کم دانشجو در دانشگاه از سوی دیگر سبب ایجاد فاصله و کاهش تعامل بین استاد و دانشجو می‌شود که درنهایت طولانی شدن فرایند اتمام تحصیل را به دنبال خواهد داشت. در کنار این تحکم علمی استاد به‌گونه‌ای که تمایل دارند که روند کار پایان‌نامه بر طبق سلیقه و نظر آن‌ها پیش برود و در صورت رعایت نشدن این امر مانع از پیش برد کار پایان‌نامه دانشجو می‌شوند و همین امر سبب می‌شود تا دانشجو مجبور به پیش برد کار بر اساس نظر آنان شود، این اعمال نظر و سلیقه حتی به موضوع پایان‌نامه هم سرایت می‌کند و گاه دانشجو مجبور می‌شود تا موضوع موردعلاقه خود را کنار گذاشته و موضوع موردنظر استاد را به تصویب رساند. دانشجویان اعتقاد داشتند که طی کردن مسیر طولانی و خسته‌کننده پایان‌نامه با همراهی و حضور و همدلی بین استاد و دانشجو تسریع می‌شود و اگر این تعامل کم باشد طی این مسیر بسیار دشوارتر خواهد بود. البته لازم به ذکر است که همراهی و همدلی صرفاً امری فیزیکی نمی‌باشند بلکه برقراری ارتباط کلامی و ایجاد حس همدلی و همراهی زبانی باعث انرژی و انگیزه مضاعف در دانشجو می‌شود و طبیعتاً نبود تعامل و ارتباطی صمیمی و لحن محترمانه و همدلانه باعث دل‌سردی و دل‌زده شدن دانشجو می‌گردد.

اما عارضه بسیار فراگیر در محیط دانشگاه بر اساس اعتقاد دانشجویان ترجیح برخی از اساتید به سایر وظایف کاری خود (غیر از وظیفه استادی) نسبت به وظیفه استادی و مشغله‌های کاری متعدد بیرون از دانشگاه است. بنابراین به‌سختی امکان ملاقات حضوری

با دانشجویان را پیدا می‌کنند و امکان پاسخ‌دهی مناسب به دانشجویان را ندارند. دانشجویان اعتقاد داشتند در اکثر مواقع مطالب نگارش شده توسط دانشجو نیز توسط اساتید به‌درستی مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد و نظرات لازم و کمک‌کننده‌ای ارائه نمی‌شود و همین امر سبب دل‌سردی دانشجو می‌گردد. ساعات کم حضور اساتید در دانشگاه که حتی گاهی در همین زمان کم حضور نیز درگیر انجام طرح‌ها و پروژه‌های خارج از دانشگاه هستند سبب می‌شود تا دانشجو فرصت کمی برای ملاقات حضوری با اساتید را داشته باشد و روند کار پایان‌نامه به‌کندی پیش رود و حضور ذهن لازم نسبت به کار در دانشجو و استاد وجود نداشته باشد. تمام این موارد سبب طولانی شدن فرایند انجام کار و به تعویق افتادن دفاع دانشجو می‌شود. از بعد دیگر تعدد و تنوع هدایت پایان‌نامه و رساله توسط یک استاد است که مانع تمرکز استاد بر روی پایان‌نامه‌ها می‌شود و سبب می‌شود تا فرایند انجام پایان‌نامه طولانی گردد و حتی از کیفیت پایان‌نامه‌ها کاسته شود، زیرا استاد فرصت کافی برای مطالعه کار و ارائه پیشنهادها مناسب و کاربردی را ندارد و عملاً استاد در همه این مباحث و موضوعات متنوع متخصص نیست.

مسئله دیگر در بین عوامل درون سیستمی دانشگاه مشکلات تحریر پایان‌نامه است. تلاش و سعی برخی از دانشجویان برای انجام پژوهش‌های دارای ارزش علمی و کاربردی سبب شده تا به دنبال موضوعات سخت و بدیع باشند و همین امر روند انجام کار را با دشواری مواجه می‌کند، زیرا طی کردن مسیری که قبلاً طی نشده و منابعی در دسترس نیست بسیار زمان‌بر و دشوار خواهد بود. در کنار دشواری دسترسی به مقالات و کتاب‌ها، دشواری دسترسی به منابع اطلاعاتی و داده‌ها و عدم همکاری سازمان‌ها و نهادها در این زمینه بر سختی‌های انجام پژوهش می‌افزاید.

طولانی شدن زمان تحصیل دانشجویان لزوماً ارتباطی با بخش پژوهشی دانشجویان که رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها می‌پردازند نیست بلکه ریشه در دروس نظری که بیش از آن گذرانده‌اند نیز دارد. دروس و کلاس‌های فشرده و غیرکاربردی و بیان‌کننده این امر است که گروه‌های آموزشی صرفاً واحدهایی ارائه می‌دهند تا دانشجویان در لفظ بتوانند با دروس روش تحقیق و آمار آشنا شوند ولی در عمل چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد؛ درواقع واحدهای درسی پایان‌نامه محور نیستند و فقط به ارائه چارچوب و اصول نظری اکتفا می‌کنند که دانشجو در عمل با مشکلات خاص خود مواجه خواهد شد. همچنین در کنار ضعف در نحوه ارائه محتوا و سرفصل دروس، پژوهش‌ها و تحقیق‌های غیرکاربردی به‌گونه‌ای که دانشجو به مدت چندترم تمام‌وقت و تلاش خود را صرف آن‌ها می‌کند و درواقع از مسیر اصلی و پایان‌نامه که کار نهایی او است به دور می‌افتد و اساس نظم منطقی بین این پژوهش با پایان‌نامه و رساله دانشجویان نیست که نتیجه‌ای جز به هدر دادن وقت و انرژی دانشجو در پی نداشته باشد.

ضعف فرایندها و سیستم آموزشی دانشگاه ازجمله عوامل طولانی شدن تحصیل دانشجویان و از فاکتورهای مهم در عوامل درون سیستمی است. اینکه دانشجویان باید به آزمون جامع بپردازند و پس از گذراندن مرحله مهم وارد فرایند پژوهش کار بشوند ازجمله عوامل مهم در تأخیر افتادن اجرای پایان‌نامه و رساله است. نکته دیگر الزام کسب پذیرش مقاله برای دفاع است به‌گونه‌ای که دانشجو باینکه تمام کارهای رساله را به اتمام رسانده چون پذیرش مقاله ندارد نتواند دفاع کند حائز اهمیت است. اما بیشتر این سؤال مطرح می‌شود که آیا پذیرش و چاپ مقاله می‌تواند سنج و ملاک برتری برای کیفیت یک رساله باشد. یا اینکه راهکارهای دیگری برای این مهم باید جستجو کرد و ریشه این مسئله را در جای دیگر ازجمله آئین‌نامه ارتقاء اساتید شناسایی نمود.

همچنین سخت‌گیری علمی در تصویب پروپوزال و ایراد گرفتن‌های بیش‌ازاندازه و سخت‌گیری افراطی در مورد پروپوزال که گاهاً نتیجه‌ای هم در بر ندارد روند انجام پایان‌نامه را با خستگی همراه می‌سازد. برگزاری دیربهدیر جلسات شورا و نوبت‌های طولانی برای انتظار در صف بررسی سبب می‌شود تا روند انجام پایان‌نامه/رساله چند ماه به تأخیر افتد و در روند کار شکاف ایجاد شود و این مشکل روزبه‌روز تشدید می‌شود زیرا هر سال بر تعداد دانشجویان دکتری افزوده می‌شود و این صف طویل‌تر می‌گردد. همه این مسائل به ضعف‌های کارشناسان آموزشی که عدم اشراف به قوانین و مقررات دارند و به‌غلط دانشجو را راهنمایی می‌نمایند نیز اضافه می‌شود. پاسخگویی نامناسب و نبود سازوکارهای کنترلی به‌ویژه برای دانشجویان ساکن شهرستان مسائل را پیچیده‌تر نیز می‌کند.

مسئله پایانی عدم تناسب امکانات با تعداد دانشجویان است. از یک طرف دانشگاه به خاطر کسب اعتبار برای خود به دنبال افزایش تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌باشد، در نتیجه اساتید توان صرف وقت و انرژی کافی برای تمام دانشجویان را ندارد و نمی‌توانند روند انجام کارهای دانشجویان را پیگیری کنند و همین مورد (حجم بالای دانشجوی دانشگاه) یکی از مهم‌ترین علت‌ها است که فرصت را از اساتید می‌گیرد.

آنچه تاکنون مطرح شد توصیفی است از علل طولانی شدن سنوات دانشجویان تحصیلات تکمیلی در یک دانشگاه معتبر شهر تهران است و چه‌بسا بسیاری از دانشگاه‌های کشور دچار این عارضه هستند. در نگاهی سیستمی به این علل و عوامل را می‌توان به سه دسته ورودی، فرایند و خروجی تقسیم نمود. تعدد پذیرش دانشجو بدون توجه به امکانات، جذب نامناسب و غیرحرفه‌ای استادان، کمبود منابع و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر که بجای توجه به کیفیت عمیق، صوری سازی و کمی سازی می‌کند را به‌عنوان عوامل مؤثر ورودی می‌توان برشمرد. فرایندهای مبهم و عدم پیوند دروس آموزشی با موضوعات و محورهای پایان‌نامه / رساله و مسأله‌مند نبودن آن‌ها، غیرحرفه‌ای عمل کردن استادان در هدایت دانشجویان به‌عنوان راهنما و مشاور، تعامل ضعیف استاد و دانشجو و اولویت داشتن مسائل بیرونی استادان بر وظایف دانشگاهی نیز از علل فرایندی این سیستم معیوب هستند. هرچند برخی از عوامل و ضعف‌های مطرح‌شده به‌ویژه در زمینه استادان خود مولود علل و عوامل دیگری هستند که شاید در اختیار دانشگاه هم نباشد. ضعف بازار اشتغال فارغ‌التحصیلان و مسائل متعدد دیگری که ریشه اقتصادی و اجتماعی دارند نیز می‌تواند به خروجی‌های این سیستم برگردد. به هر ترتیب آنچه مهم است تغییر رویکرد دانشگاه از توده‌گرایی به سمت نخبه‌گرایی و توجه به کیفیت و پرهیز از تولید انبوه باکیفیت پایین فارغ‌التحصیلان دانشگاه راهبردی اساسی در کاهش طول سنوات تحصیل دانشجویان است. تغییر در فرایندهای تحصیلی دانشجویان و نظارت بر تناسب امکانات و منابع دانشگاه با تعداد پذیرش دانشجو به‌ویژه توجه به ظرفیت گروه‌های آموزشی سازوکارهای بنیادی دیگری بر بهبود فرایند تحصیلی دانشجویان است. این مسئله را نمی‌توان انکار نمود که تطویل سنوات با افت کیفیت تحصیلی دانشجویان همبستگی مثبت دارد و لذا نظام برنامه‌ریزی دانشگاه چنانچه به سمت رفع موانع و تسهیل امور به‌ویژه بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برود شاهد وضعیت متفاوتی در طول مدت تحصیل دانشجویان خواهیم بود. ایجاد درخت پژوهشی برای دانشجویان از بدو ورود به دانشگاه به‌گونه‌ای که دانشجویان کلیه امور پژوهشی در دروس مختلف را بر اساس آن سازمان‌دهی نمایند تا هر آنچه در طول ترم‌های آموزشی می‌گذرانند در راستای تدوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های آن‌ها باشد. بهره‌مندی از پنل‌ها و زیرساخت‌های مجازی برقرارکننده تعامل استاد و دانشجو تا کلیه فرایندها و فعالیت‌های آن‌ها ثبت و ضبط شود خود می‌تواند راهگشای این موضوع باشد.

آنچه باید تغییر کند و اصلاح شود تناسب بین دانشگاه با ویژگی‌های مدرن خود با درجه تعدد و تنوع بالای مؤلفه‌ها و عناصر خودنمایی می‌کند و مثال آن تعداد بالای دانشجو و استاد با دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف است با فرایندها و فعالیت‌های جاری آن که به‌صورت سنتی در حال انجام هستند تغییر نگاه از ولع پذیرش بیشتر در دوره تحصیلات تکمیلی به استانداردهای پذیرش دانشجو مبتنی بر نیاز جامعه و بازار کار و اصلاح سرفصل‌ها و محتوای دروس به سمت کاربردی شدن و مسئله محوری بجای ارائه صرف نظری به دانشجویان تا در خلال دروس آموزشی خود به شناسایی مسائل موردعلاقه خود برسند. این پژوهش دارای محدودیت‌هایی از جمله عدم امکان تعمیم یافته‌ها به جامعه وسیع‌تر با توجه ماهیت کیفی پژوهش است که پیشنهاد می‌شود در قالب یک پژوهش پیمایشی در سطح گسترده‌تر صورت گیرد.

منابع:

- Abesha, A. G. (2012). Effects of Parenting Styles, Academic Self-Efficacy, and Achievement Motivation on the Academic Achievement of University Students in Ethiopia By.
- Aghamolaei, T., Zare, S., & Abedini, S. (1385). The quality gap of educational services from the point of view of students in Hormozgan University of Medical Sciences. *Strides in development of medical education*, 3(2), 78-85.
- Afzali, M., Delavar, A., & Afzali, A. (1393). Meta Analysis of Theses about Academic Failure. *Journal of Educational Measurement*, 5(17).
- Alhajraf, N. M., & Alasfour, A. M. (2014). The impact of demographic and academic characteristics on academic performance. *International Business Research*, 7(4), 92.
- Alivand Wafa, M. (1393). *Investigating the relationship between critical thinking and academic achievement of Tabriz students*. Master Thesis, Al-Zahra University.
- Arabzadeh, M. M. (1386). *Structures Affecting Students' Academic Success and Knowledge Ministry of Jihad Sazandegi Academic Year 85-86*. Master Thesis, Faculty of Agriculture, University of Tehran.
- Artino, A. (2009). Think, feel, act: motivational and emotional influences on military students' online academic success. *Journal comput High Educ*, 21, 146- 166.
- Astin, A. W. (1999). Student involvement: A developmental theory for higher education. *Journal of College Student Development*, 40(5): 518-528.
- Atakhani, N. (1385). *Investigating the relationship between students' opinions about some of the inputs of the educational system with their academic success at Payame Noor University, Gonbad Center*. Master Thesis, Faculty of Educational Sciences, University of Tehran.
- Alturki, S., Hulpuş, I., & Stuckenschmidt, H. (2020). Predicting academic outcomes: A survey from 2007 till 2018. *Technology, Knowledge and Learning*, 1-33.
- Biabangard, I. (1393). *Adolescent Psychology*. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Canfield, P. J. (2002). An interactive, student-centered approach to teaching large-group sessions in veterinary clinical pathology. *Journal of veterinary medical education*, 29(2), 105-110.
- Conti, G. J., & Welborn, R. B. (1986). Teaching-learning styles and the adult learner. *Lifelong Learning*, 9(8), 20.
- Davarinia, M., & Kian, M. (1398). Analysis of the fields of success and academic failure in university students, *The Second National Conference on Social Injuries*, Ardabil.
- Džubur, A., Lisica, D., Abdulahović, D., & Ejubović, M. (2020). Impact of social and psychological factors on academic achievement of university students. *Medicinski Glasnik*, 17(1)
- Eshetu, A. A. (2015). Parental Socio-Economic Status as a Determinant Factor of Academic Performance of Students in Regional Examination: A Case of Dessie Town, Ethiopia. *African educational research journal*, 3(4), 221-229.
- Fuller, B. (2007). What school factors raise achievement in the Third World?. *Review of educational research*, 57(3), 255-292.
- Ganyaupfu, E. M. (2013). Teaching methods and students' academic performance. *International Journal of Humanities and Social Science Invention*, 2(9), 29-35.
- Gilar-Corbi, R., Pozo-Rico, T., Castejón, J. L., Sánchez, T., Sandoval-Palis, I., & Vidal, J. (2020). Academic achievement and failure in university studies: motivational and emotional factors. *Sustainability*, 12(23).
- Goodarzi, M. A. (1392). *Preparations for educational and curriculum*. Tehran: Madsij Publications.

- Claxton, C. S., & Murrell, P. H. (1987). *Learning Styles: Implications for Improving Educational Practices. ASHE-ERIC Higher Education Report No. 4, 1987*. Association for the Study of Higher Education, 1 Dupont Circle, Suite 630, Washington, DC 20036.
- Halpern, F. (2012). *Psychological wellbeing: Evidence regarding its causes and consequences. Office of Science and Innovation: Foresight Mental Capital and Wellbeing Project*. Oxford: Oxford University Press.
- Hassani, A. A., & Bazrafshan, M. (1397). Analysis of students' educational data with the aim of evaluating academic achievement using data mining approach (Case study: Faculty of Management and Industrial Engineering, Shahroud University). *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 11(2), 187-208.
- Husén, T. (2000). a brief history of the international association for the evaluation of educational achievement (TEA). *Assessment in Education: principles, policy & practice*, 3(2), 129-141
- Ismailpour, Mohammad; Naderi Shad, Shayan; Kobraei, Faezeh and Gholami, Bahareh (1394). Study of academic failure and some related factors from the perspective of students of Guilan University of Medical Sciences. *Research in Medical Education*, 9 (3), 65-7.
- Kang'ahi, M., Indoshi, F. C., Okwach, T. O., & Osido, J. (2012). Teaching styles and learners' achievement in Kiswahili language in secondary schools. *International Journal of Academic Research in Progressive Education and Development*, 1(3), 62-87.
- Komarraja, M. Karau, S. J. Schmeck, R. R. (2016). *Role of the big five personali traits in predicting collage student's academic motivation and achievment, Learning and Individual Differences*. 19, 47-52.
- Koohi Nasrabadi, M., Navabipour, M., Ganji, M., & Wasfavi, S. M. (2013). Explain and the role of organizational factors in students' academic failure and control strategy, and its reduction in Kashan University. *Quarterly of Organizational Culture Management*. 11(3), 141.168.
- Laight, D. W. (2004). Attitudes to concept maps as a teaching/learning activity in undergraduate health professional education: influence of preferred learning style. *Medical teacher*, 26(3), 229-233.
- Lee, C. L., & Mallik, G. (2015). The impact of student characteristics on academic achievement: Findings from an online undergraduate property program. *Pacific Rim Property Research Journal*, 21(1), 3-14.
- Lei, H., Cui, Y., & Zhou, W. (2018). Relationships between student engagement and academic achievement: A meta-analysis. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 46(3), 517-528.
- Lindemann, R., Duek, J., & Wilkerson, L. (2001). A comparison of changes in dental students' and medical students' approaches to learning during professional training. *European Journal of Dental Education*, 5(4), 162-167.
- Linen Brink, E.A & Pintrich, P.R, (2013). Motivation as enabler of academic success. *School Psychology Review*.31, 313-327.
- Linver, M. R. Dausis, P.E., & Eccles, J. S..(2013). The influences of socio cultural and educational contexts on approaches to learning. National University of Singapore. 24,347-412.
- Janzadeh, A. (1390). Investigating the factors influencing the academic achievement of public university students: An analysis of the cases of the Special Cases Commission and the opinions of student deputies. *Journal of Higher Education*. 3(3).
- Madigan, D. J., & Curran, T.(2021). Does burnout affect academic achievement? A meta-analysis of over 100,000 students, *Educational Psychology Review volume 33, pages387-405*.
- Mahmood, K., Maqbool, H., Zaidi, S. I. H., Ajid, A., Javaid, Z. K., & Mazhar, R. (2021). The Predictive Role of Social Support in Social Adjustment and Academic Achievement among University Students. *Psychology and Education Journal*, 58(5), 2745-2753.

- Matthews, M. R. (2014). *Science teaching: The contribution of history and philosophy of science*. Routledge.
- Miglietti, C. L., & Strange, C. C. (1998). Learning styles, classroom environment preferences, teaching styles, and remedial course outcomes for underprepared adults at a two-year college. *Community College Review*, 26(1), 1-19.
- Mohsenpour, B. (1386). The Role of Self-Efficacy, Strategic Learning and Sustainability in Academic Success in Mathematics for Third Year High School Students in Robotics. *Educational Innovations Quarterly*, 60(3), 9-35.
- Namni, A., & Tale Pasand, Siavash. (1394). Presenting a Model for Predicting Academic Success for Master's Degrees Case Study: E-Learning Center of Iran University of Science and Technology, *Quarterly of Management and Planning in Educational Systems*. 8(15), 71-82.
- Nowell A.; Hedges L.V., (2011): Trends in Gender Differences in Academic Achievement from 1960 to 1994: An Analysis of Differences in Mean, Variance, and Extreme Scores, Sex Roles, Volume 39, Numbers 1-2, , pp. 21- 43(23).
- Nowruzzadeh, R. (1384). *Higher applied science education centers in agriculture with emphasis on the agricultural sector*. Tehran: Amirkabir Publications.
- Okioga, C. K. (2013). The impact of students' socio-economic background on academic performance in Universities, a case of students in Kisii University College. *American International Journal of Social Science*, 2(2), 38-46.
- Olani, A. (2009). Predicting first year university students' academic success. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, 7(3), 1053-1072.
- Parand, Kourosh; Nirumand, Pourandokht; Faraji Armaki, Akbar; Alizadeh, Abolfazl; Ahdieh, Narges. (1392). Provide a proposed framework for skills training and empowerment of students with a competency - based approach. *The first international conference on information technology industry and export*.
- Rajandran, K., Hee, T. C., Kanawarthy, S., Soon, L. K., Kamaludin, H., & Khezrimotlagh, D. (2015). Factors affecting first year undergraduate students' academic performance. *Sch. J. Econ. Bus. Manag*, 2, 54-60.
- Russel, A M. (2013). Clinical implications of attachment concepts: Retrospect and prospect. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 4, 549–571.
- Yeshimebrat, M., Alemayehu, B., & Firew, T. (2013). Factors affecting female students' academic achievement at Bahir Dar University. *J Int Coop Educ*, 15(3), 135-48.
- Yilmaz, R. (2020). Prospective Mathematics Teachers' Cognitive Competencies on Realistic Mathematics Education. *Journal on Mathematics Education*, 11(1), 17-44.
- Yousef, D. A. (2012). Factors affecting academic performance of non-English speaking business students in quantitative courses: a study at a private university in the UAE. *Journal of International Business Education*, 7.
- Sakız, H., Özdaş, F., Göksu, İ., & Ekinci, A. (2021). A Longitudinal Analysis of Academic Achievement and Its Correlates in Higher Education. *SAGE Open*, 11(1), 21582440211003085.
- Salehi, R., Abedi, M. R., & Nilforoshan, P. (1398). Developing a Conceptual Model of Academic Success: A Qualitative Study. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 10 (38), 1-30.
- Sedaqat, K., & Maleki, S. (1391). *Organizational factors affecting the academic failure of Azad University students in Tabriz*. Research plan approved by Azad University.
- Stitt-Gohdes, W. L. (2003). Business Education Students' Preferred Learning Styles and Their Teachers' Preferred Instructional Styles: Do They Match?. *Delta Pi Epsilon Journal*, 43(3), 137-51.

- Tabarsa, G., Hasanvand Mofrad, M., & Arefnezhad, M. (1391). Analysis and ranking factors affecting the improving educational quality with a case study in the University of Isfahan. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 4(4), 53-74.
- Tamanaeifar, M. R. (1389). The relationship between emotional intelligence, self-concept and self-esteem with academic success. *Journal of Higher Education Research and Planning*, 5(8), 99-113.
- Tulbure, C. (2011). Do different learning styles require differentiated teaching strategies?. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 11, 155-159.
- Van de Schoot R, Yerkes MA, Mouw JM, Sonneveld H (2013) What Took Them So Long? Explaining PhD Delays among Doctoral Candidates. *PLoS ONE* 8(7): e68839.
- Walizadeh, L. (1386). Relationship between learning characteristics and academic achievement of nursing and midwifery students. *Iranian Journal of Medical Education*. 4(6), 32-94.
- Yousefi, A., Jamshid nejad, A., & Moatamed, N. (1397). Evaluation of Relationship between Academic Motivation and Achievement in Students of Zanjan University of Medical Sciences. *Journal of Med Educ Dev*, 11 (29), 54-62.